



پژوهشگاه جنبش معلمان

بخش اسناد

مجموعه شماره‌های نشریه صدای معلم
نشریه کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری

اسفندماه ۱۴۰۳

نشریه صدای معلم

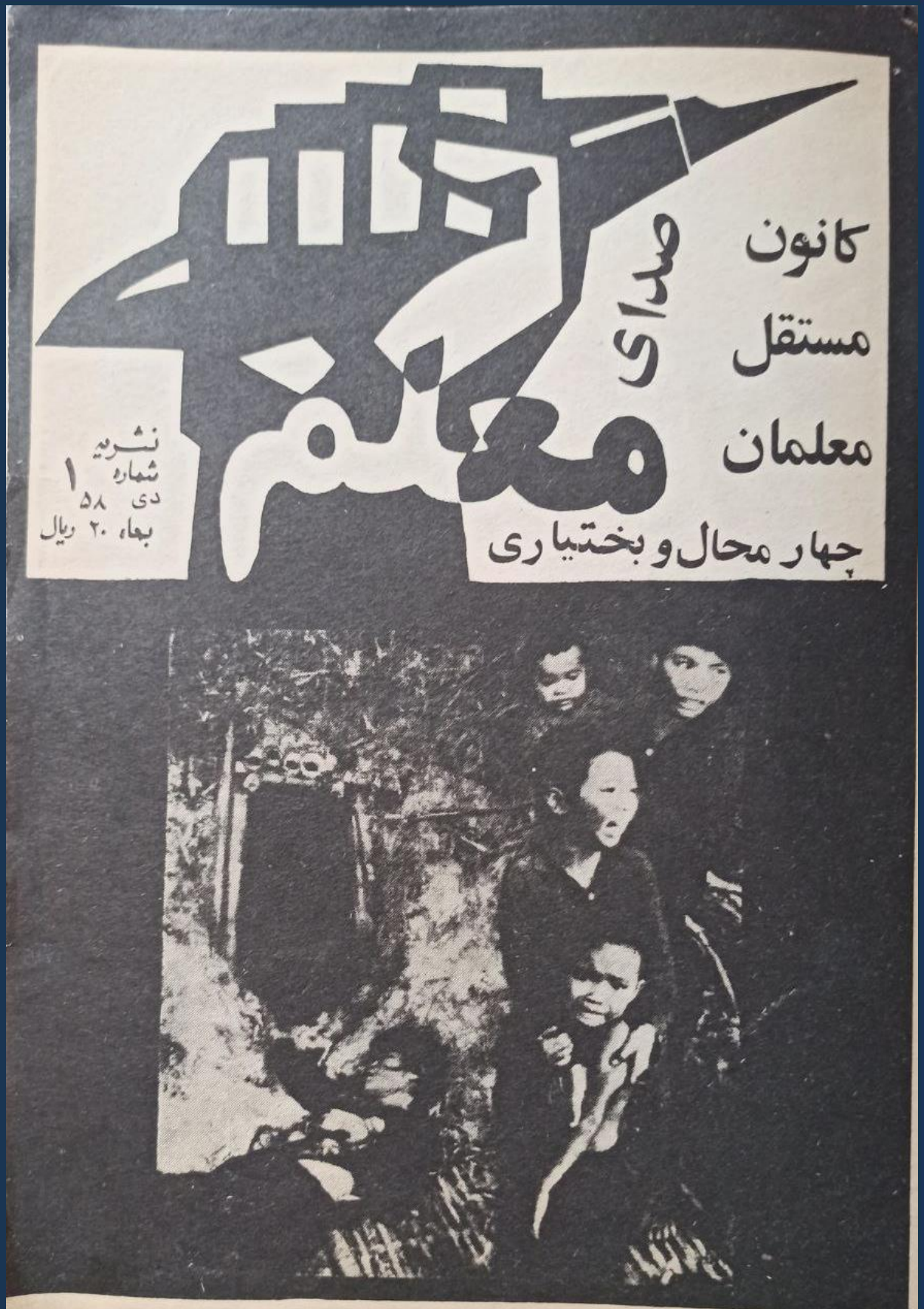
شماره اول

(دی ۱۳۵۸)

(نشریه کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری)

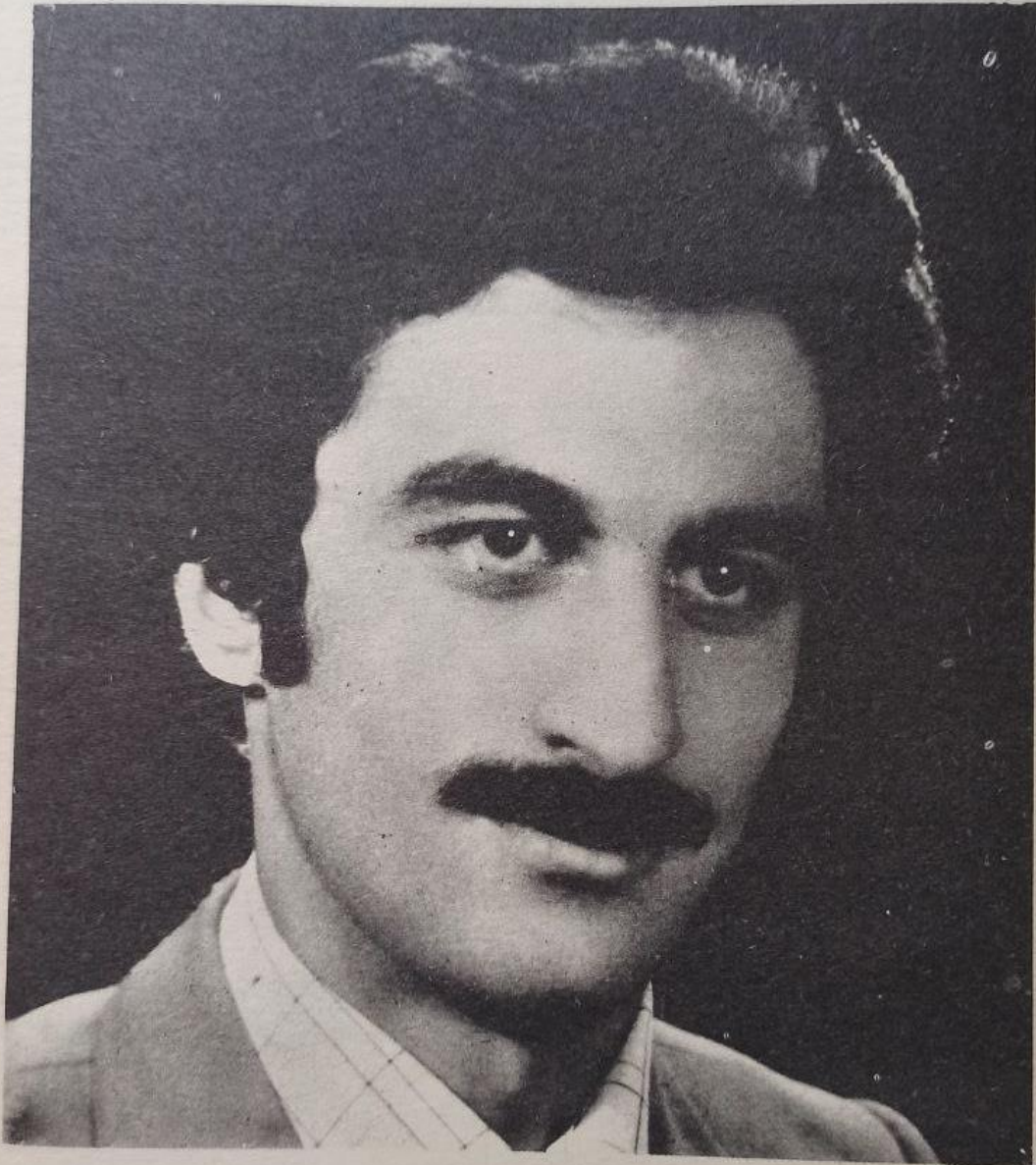
تاریخ انتشار:

دی ۱۳۵۸



پژوهشگر
جنبش معلمان

گرامی باد خاطره شهادت استاد شهید نجات الهی



پژوهشگر
جنبش معلمان

فهرست

سرمقاله

سخنی با دانش‌آموزان

بر همکاران ما در بندرعباس چه میگذرد

از میان مطبوعات

سینما و تلویزیون و عملکرد آن در رژیمهای وابسته

در مدارس ما چه میگذرد

روز دانش‌آموز را گرامی میداریم

پیامهای کانون

اخباری از کانونهای مستقل معلمان در شهرستانها

سخنی چند پیرامون کانون معلمان و تداوم مبارزاتش در کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

از همان آغاز سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ که طغیانها و جهش
های گاه و بیگاه خلقهای ستمبر ایران نوید انقلابی بزرگ و
قیامی حق طلبانه میداد و ملت ایران گروه گروه و دسته دسته
یکی پس از دیگری پای بمیدان مبارزه میگذاشتند ، معلمان
چهار محال و بختیاری نیز که همواره در طول سالیان گذشته
ظلمت بار خود و اختناق و استبداد محمد رضا شاهی هم در
مسیر آزاد یخواهی گام برمیداشتند ، همچون دیگر همکاران خود
در سایر نقاط میهن عزیز باین جنبش پیوستند و علیرغم تهمت های
نفع طلبی صرفاً " بعلت وجود روح عصیانگر و وجدان بیدار خود

و مسئولیتی که همواره و بویژه در این قیام در قبال اجتماع و دانش آموزان خود احساس میکردند با همراهی آنان قدم اول مبارزه را در این منطقه برداشتند و از همان ابتدا برای کنترل و گسترش اعتصابات کانون معلمان چهار محال و بختیاری را با حضور و عضویت نمایندگان همه معلمان استان تشکیل دادند. کانون معلمان از همان بدو تأسیس بعنوان پایگاهی نیرو بخش نبض اعتصابات را در این منطقه بدست گرفت و برای توجیه معلمان و تحلیل اوضاع و موقعیت نهضت و بالاخره تعیین نحوه اعتصابات آموزشگاهها جلسات مستمری تشکیل میداد و بحثها و سخنرانیها و قطعنامه های خود را منحصر "بشرح تبهکاریهای و غارتگریهای امپریالیسم و رژیم منفور پهلوی اختصاص میداد و همگان را به مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش فرا میخواند.

کانون روح مبارزه جوئی و حماسه مقاومت را در معلمان کهاز طول اعتصابات ملول و مأیوس شده بودند، پیوسته تقویت میکرد

و در روشن کردن ماهیت رژیم مستبد شاه و بالا بردن سطح آگاهی همکاران پیرامون دشمن اصلی خلقهای ستمکش ایران کوششی خستگی ناپذیر بخرج میداد اگر چه معلمان خود دشمن اصلی یعنی عامل تمام بدبختیها، فلاکتها و عقب ماندگی ملت ایران که همان امپریالیسم جنایتکار آمریکا بود خوب می شناختند و پایگاه مستحکم آنها در ایران، دربار ارتجاعی شاهمیدانستند ولی کوشش کانون در این جهت بود که نیرنگها و تاکتیکهای گونه گون دشمن را که بمنظور فریب دادن خلقهای ایران و سرکوب و کشتار نیروهای رزمنده^۶ مردم اعمال میشد روشن کند و نقش مزورانه او و شیوه های نو استعماریش را آشکار نماید. کانون بدنبال تجزیه و تحلیلی که از موقعیت کشورمان و استحکام — بنای امپریالیسم و سرمایه داری وابسته که تمام بافت های اقتصادی — سیاسی و نظامی — فرهنگی آنها تحت پوشش خود گرفته بود، داشت امپریالیسم را به اختاپوس خون آشامی تشبیه میکرد که با همه دستهای متعددش ایران را بمنابله لقمه^۷ چرب

و راحت الحلقومی به حفرهٔ دهانش فرو میبرد و طبعاً" باین
ساد گیها آنرا از دست نخواهد داد، مگر اینکه تمام دستهایش
را قطع کنند. و قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را تازه مرحله ای می
دانست که هیولا را از کمین گاهش بدر آورده و با خلق قهرمان
ایران رویا روی قرار داده است.

کانون همواره تأکید میکرد که امپریالیسم در حقیقت برای مردم
ایران بمنزله دیو سفید است و ملت ایران با قیام ۲۲ بهمن تازه
خوان اول را که برجیدن بساط سلطنتی است گذرانده و تاناه
بودی آن شش خوان صعبناک دیگر در پیش دارند که باید کمر
همت ببندند و متحد^۱ و متفقا" مثل روزهای قبل از قیام بسوی
دشمن مشترک گام بردارند.

کانون معلمان بعد از قیام بهمن ماه رسالتی بزرگتر بعهده
خود میدید و برای تحقق آرمانهای انقلابی برنامه ای وسیع
طرح افکنده و قدمهایی را که میبایست در این منطقه برداشته
شود مشخص کرد و آنچنان فضائی بوجود آورد که در آن معلم و

کارمند، دانشجو و دانش آموز، کارگر و برزگر و بالاخره دیگر مردم
 زحمتکش و انقلابی، دست در دست هم داده و در حل و فصل
 مشکلات و مسائل اجتماعی بکوشند، همه در ایجاد محیطی سالم
 و دور از تبعیضات و فاصله های موهن سهیم باشند و همه در
 دگرگون کردن بنیاد های شوم استعماری و پی افکندن نظام های
 نوین انقلابی و مردمی احساس مسئولیت کنند. در اینمورد کانون
 مرکز و پایگاه مطمئنی بود برای انجام چنین فعالیتهای مشترک
 و موضعی بود که اقشار مختلف مردم را بیشتر بهم نزدیک و متحد
 میکرد، و خوشبختانه با حسن استقبال فعالان، توده و وسیعی از
 اقشار مختلف مواجه شد و نظیر این علاقمندی و تحوّل مردم را در
 جلسه بزرگداشت شهید نجات اللهی که کانون برگزار کرده بود -
 دیدیم.

اما افسوس که اولین بارقه های انحراف و انحصار و تفرقه افکنی
 از جلسات بعدی چشم انقلابیون را خیره ساخت، یک گروه مصرا
 همه چیز را پایان یافته تلقی کرده و با ادامه هر گونه فعالیتی

مخالفت کردند، گروهی دیگر تمام مصادرها را با انحصار خود گرفته بسود مطامع و نظرات قشر خاصی گام برداشتند و بالاخره گروهی هم به تهمت پراکنی و شایعه سازی و تفرقه افکنی مشغول شدند و سرانجام پیروزی نهائی انقلاب ملت ایران و خاتمه کار کانون معلمان را تواما " جشن گرفتند و بدون هیچگونه ملاحظه‌ای از همان ابتدا هر نوع انتقاد و پیشنهاد سازنده و اقدام خیر خواهانه‌ای را تحت عناوین مختلف محکوم کرده توطئه چینی‌هایی علیه معلمان رزمنده شروع کردند .

فضای آرمانی کانون را که اجمالا " بدان اشارت رفت به فضایی پرتعصب و خشک تبدیل کردند و آنهمه علاقمندی و جنب و جوش انقلابی مردم را به یأس و سرخوردگی کشاندند و حس عدم اعتماد و انزوا و بی تفاوتی را که در اوج دسیسه - گریهای ساواک مخوف پهلوی وجود داشت بار دیگر در مردم زنده کردند ، حملات گروهی خاص به گروهها و سازمانهای مبارز ، کتاب سوزیها و اعمالی از این قبیل بحدی رسید که وابستگان

رژیم طاغوت و افرادی هم که در حین مبارزات دلیرانه معلمان همواره تخم شایسمی پاشیدند از چنین اعمال و فضایی فتنه‌های بهره را برداشتند، بعضاً "در لباس حق بجانب و بعضاً" در زیر نقاب دین بمیدان تاخته و رشته کارها را از چنگ مبارزین صادق و دلسوز خارج کردند و پای بی‌پای گروه‌های فوق‌تحت تأثیر تحریکات استانداری محبوبشان! علم مخالفت برافراشته و به تخریب بنای کانون پرداختند. جلسات کانون را میدان تاخت و تاز خود قرار دادند و اعضاء فعال و صادق کانون را بیاد خرده گیریهای مسخره گرفتند. این خرده گیریان کسانی بودند که در طول اعتصابات و مبارزات معلمان و جلسات پر شور کانون در فضای اختناق از بیان حتی یک جمله ساده و بی خطر نیز هراس داشتند و اینک بزم انقلاب اینچنین زبان باز کرده، حتی کانون یعنی ستاد مبارزاتی معلمان را لانه فساد نامیدند.

اینان نه تنها کانون را بی اعتبار ساختند که انقلاب راستین خلقهای زحمتکش ایران را نیز منحرف میکردند و دست آورد های

گرانقد ر انقلاب یعنی " استقلال و آزادی " را نیز که خون بهای عزیزان بخون خفته خلقهای محروم ایران بود ، چیزهایی فریبنده و غیر ضرور تلقی میکردند و بهمین منظور عده ای از مردم ساده لوح و نا آگاه را با خود همراه کرده و بخیا بانها می ریختند که " دموکراتیک و ملی هر دو فریب خلقند " یعنی کسانی که دم از " دموکراسی " و " ملی " که در حقیقت همان آزادی و استقلال است میزنند میخواهند خلق را فریب دهند . غافل از اینکه همه میدانستند و کانون هم که ملت ایران برای بدست آوردن همین چیز های فریبنده هنوز هم فریاد میکشد .

فریاد های کوبندهٔ مردم ایران که در تظاهرات میلیونی نشان منعکس بود ، هنوز هم در زمین و زمان و کهکشانهای دور دست طنین افکن است و اگر چه حضرات بسیار کوشیدند تا این رهاورد ها را از محتوای پربار خود تهی سازند و در حقیقت خواستند با یک تیر دو نشان بزنند یعنی هم سازمانها و کانونهای مَترقی را که با شعار استقلال و آزادی بفعالیتهای

اجتماعی خود مشغول بودند متهم به فریب دادن خلق کنند و بین آنان و توده مردم شکاف ایجاد نمایند و هم اذهان توده های نا آگاه و ساده لوح ما را از مفاهیم این کلمات زیبا منحرف سازند . اما علیرغم این تصورات ، سازمانهای مردمی و از جمله کانون معلمان وظیفه خود میدانستند که مردم را به حقوق طبیعی و اساسی خود آشنا سازند بهمین جهت کانون مدتی از وقت خود را صرف روشن نمودن این کرد که " استقلال و آزادی " واقعی یعنی استقلال و آزادی سیاسی ، اقتصادی - فرهنگی و بالاخره جغرافیائی است ، نمود و تأکید کرد که اینهمه وقتی بدست میآیند که اولاً " دست امپریالیسم آمریکا برای همیشه از سر ما کوتاه شود ، ثانیاً " بساط وابستگی و نوکران داخلی برچیده شود و ثالثاً " تکیه گاه و راه بازگشت آن یعنی ارتجاع داخلی بکلی منهدم و مسدود گردد . کانون تحقق اینهمه را در شکل و تمرکز هر چه بیشتر نیروهای مبارز و راستین خلق میدانست تا با صداقت انقلابی خود نخست در ادامه

۱۰

انقلاب راستین ملت و تحقق آرمانهای ملی بکوشند، دوم پاسداری صدیق دست آورد های انقلاب باشند و سوم با هوشیاری تمام هر نوع حرکت ارتجاعی و عمل ضد انقلابی را رسوا و بی اثر سازند .

معلمان مبارز که نمیتوانستند از مسئولیت اجتماعی و انقلابی خود چشم ببوشند، و بعزت کار شکنیها و توطئه چینی ها مجالی برای فعالیت در کانون معلمان را نداشتند، بمنظور تحقق خواستها و آرمانهای انقلابی ملت، تشکل و وحدت خود را در کانونی صنفی - سلیسی و مشتقل لازم دیدند . این تشکل و تمرکز را در آن برههء حساس انقلاب نه برای خود که برای تمام آحاد و افراد ملت ایران ضروری دانسته . ضرورتی که بمثابهء یک جریان انقلابی، سر تا سر مملکت را در بر گرفت و بزودی سازمانها و کانونهای مستقل صنفی - سیاسی بخصوص معلمان یکی پس از دیگری شکل گرفتند . اگر چه گروههایی تشکیل این سازمانها را عاملی در تفرقه و پراکندگی مردم تصور میکردند و حتی مدعیان انقلابی نیز بر این تصور صحه گذاشتند اما همانگونه که اشاره

شد، بخاطر موقعیت خاص انقلاب و خطری که آرمانها و حقوق مسلم ملت را تهدید میکرد تشکل این سازمانها نه تنها ضروری که حتی عامل نیرومندی در جهت وحدت و همبستگی مردم بود، چه ایجاد آنها خود نشانگر علاقه و مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی کشور بود.

و بدینسان معلمان مبارزی که معتقد به تداوم انقلاب و تحریر آرمانهای انقلابی ملت و ادای وظیفه خود در این انقلاب بودند کانون مستقل معلمان استان چهار محال و بختیاری را بعنوان سازمانی صنفی - سیاسی با خط مشی و فضایی دموکراتیک بنیاد گذاشته و بجای کانون معلمان پیشین که دیگر بصورت میدان جنگ و ستیز و توطئه چینی ها درآمده بود، پایگاه مناسبی برای انجام فعالیت های اجتماعی و آموزشی، و فضای باز و آزاد جهت شکوفایی استعداد ها و ارائه خدمات انسانی برای کلیه همکاران علاقمند صرف نظر از اختلاف جنس، عقیده و مذهب ایجاد کردند. کانون مستقل دیگر مجال فرصت طلبی، تفرقه افکنی، تحمیل

عقیده و انحصار جویی بکسی ننمیدهد، چه کانون سازمانی است
مستقل و علاوه بر آنکه اعضاء آن بمنظور پیشبرد هدفهای واقعی
انقلاب گرد هم آمده اند، خود بهیچ حزب و گروه و دسته سیاسی
وابسته نیست و اگر عضویا اعضایی پیرو سازمان یا حزبی هم
باشند حقّ تحمیل و طرح عقیده^۱ حزیشان را در کانون ندارند.
کانون مستقل دیگر فرصت عرض اندام به ارتجاعیون و افراطیون
ننمیدهد، چون کانون سازمانی است دموکراتیک یعنی اعضایی را
می پذیرد که نه تنها به شیوه ها و بنیاد های دموکراتیک و لزوم
مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و دفاع از حقوق و آزادیهای اسام
مردم معتقد باشند که اصل اکثریت را نیز بپذیرند، چه کلیه
تصمیمات و اقدامات کانون بر اساس اکثریت آراء و با توجه به
مصالح جامعه و مردم زحمتکش و نه مطامع یک طبقه و گروه یا یک
حزب خاص سیاسی اتخاذ و انجام میشود.

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری سازمانی است
غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی، بدینمعنی که دلیلی برای

رقابتهای مذبحخانه و تبلیغات سوء و احمقانه در آن وجود ندارد و عضویت و قبول مسئولیتها در آن بر اساس رعایت اساسنامه و پذیرش خط مشی کانون و صرف تخصصها و استعدادها انجام میشود و مستلزم قبول زحمت و اختصاص دادن اوقات فراغت به ارائه و انجام خدمات آموزشی و اجتماعی و زنده و تحریر کردن حسن مسئولیت در اعضا و دیگر همکاران است که در اثر رخنه عوامل ارتجاع و تفرقه افکن به سردی و بی تفاوتی گرائیده بود. بدینگونه کانون معلمان بعد از آنکه با مخالفتها و توطئه چینی های گروهی انحصار طلب و تفرقه افکن روبرو شد بشکل کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری با اهداف و وظایفی که ذیلا "بذکر آنها میپردازیم با همه توان و امکانات خود در خدمت اجتماع و منطقه قرار گرفت.

اهداف و وظایف کانون: اهداف و وظایف کانون بر دو نوع است

۱ - اهداف و وظایف عام کانون که خود بر دو قسم است:

الف: اهداف و وظایفی که در سر لوحه انقلاب ملت ایران و کانون

بعنوان جزء کوچک از این انقلاب قرار دارد عبارتند از:

- ۱- مبارزه با امپریالیسم تا طرد و محو کامل آن . ۲- برچیدن بساط وابستگی و اخلیث . ۳- منهدم کردن تکیه گاه امپریالیسم در ایران یعنی ارتجاع و استبداد . ۴- مسدود کردن راه بازگشت آن .

ب- اهداف و وظایفی که انقلاب ملت ایران بعنوان یک دین

انقلابی بعهده کانون واگذار کرده است و عبارتند از:

- ۱- ادامه انقلاب واقعی ملت تا تحقق کلیه حقوق و آرمانهای ملی
- ۲- حفاظت و نگاهبانی از دست آوردهای انقلاب
- ۳- افشاء و بر اثرکردن هرنوع حرکت ارتجاعی و عمل ضد انقلابی .
- ۴- دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود .

۲- اهداف و وظایف خاص کانون: این اهداف صنفی است و در

رابطه با شغل و وظیفه آموزشی اعضاء کانون قرار دارد و عبارتند از:

- ۱- اشاعه فرهنگ اصیل قومی و از بین بردن آثار شوم فرهنگ استعماری .
 - ۲- دفاع از حقوق صنفی معلمان .
 - ۳- کوشش در برقراری کردن ارتباط نزدیک معلمان و دانش آموزان و اولیاء آنان .
 - ۴- کوشش بمنظور نظارت معلمان در هزینه های آموزشی و حذف تشکیلات و سازمانهای زائد اداری با استفاده از روشها و شیوه های علمی .
 - ۵- کوشش بمنظور انتخابی کردن کلیه مسئولان اداری و آموزشی از طریق شوراهای .
 - ۶- کوشش در جهت ایجاد وسائل و امکانات رفاهی ضروری برای کلیه معلمان .
 - ۷- افشاگری در باره کلیه موارد تضییع کنند ه حقوق معلم و موانع تحقق هدفهای کانون .
 - ۸- کوشش در جهت شناختن مسائل و مشکلات آموزشی در روستا های منطقه .
 - ۹- بالا بردن سطح آموزشی معلمان و دانش آموزان و .
 - ۱۰- کوشش بمنظور برقراری ارتباط و همکاری با کانونهای دانش آموزان و دیگر سازمانهای دموکراتیک .
- بدین گونه کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

۱۶

با خط مشی و ماهیت و اهداف فوق شروع به کار کرده از کلیه
همکارانی که خط مشی و اهداف کانون مورد پذیرش آنان است
دعوت به همکاری می نماید ، باشد که همه با هم و بیاری هم
خدمتی اگر چه نا چیز بمردم خود و بویژه فرزندان این آب و خاک
بکنیم .

پیش بسوی ایجاد برابریهای آموزشی در سراسر کشور.

تحقق خواستهای معلمان در گروتشکل آفانست

سخننی با دانش آموزان

دوستان دانش آموز:

ما این صفحه را در رابطه با شما قرار داده ایم، تا بتوانیم ببیند همیشگیان را محکمتر و استوارتر گردانیم. این صفحه به شما و نظرات شما اختصاص دارد، باشد که رشته دیگری علاوه بر کلاس و مدرسه بینمان ایجاد گردد و بیشتر بهم نزدیک شویم.

سال تحصیلی امسال درهای مدارس به روی شما دانش آموزانی گشوده شده است که سال گذشته را در میدانهای انقلاب، درس خوانده اید و با کوله باری از آگاهی و تجربه با مدرسه گذاشته اید.

سال گذشته شما دانش آموزان نشان دادید که از چه نیروی عظیم و پرتوانی برخوردار هستید، شما در روزهای پر شور انقلاب به منظور نفی وابستگیهای سیاسی-اقتصادی و فرهنگی و زیر بار زندگی مصرفی نرفتن، هر روز خون تازه ای در رگهای انقلاب جاری کردید و با شعارهای مرگ بر شاه، مرگ بر امپریالیسم و طرد کلاس درس و کتابهای مخرب استعماری قدم در راه مبارزه ای معتد و بی امان نهادید و مدرسه را به سنگر مبارزه تبدیل کردید و با شرکت فعالانه خود در مبارزه ضد درباری - مردم زحمتکش، میهنمان نشان دادید که چه خوب رشد کرده اید و از مسئولیت اجتماعی کاملاً برخوردار هستید. ملت ایران شاهد بود که شما چه صادقانه و با ایمان و با قلبی سرشار از عشق به خلق همگام و حتی پیش از دیگران مبارزه

نمودید و حق زیادی بگردن انقلاب دارید. در حقیقت میتوان گفت که این تبلور مبارزات شما و سایر اقشار ملت بود که منجر به سقوط نظام حاکم و تحقق اولین گامهای انقلاب مردم ستمبر ایران شد.

اکنون برای حفظ دست آورد های انقلاب که با خون هزاران شهید آبیاری شده است و برای تدایم انقلاب و قطع کامل ریشه های امپریالیسم و انهدام استبداد و استثمار، بر همه ماست که مثل سال پیش بلکه فعالتر و آگاهانه تر در روند انقلاب گام برداریم، چه متأسفانه در شرایطی که انقلاب ما در اثر حرکت یکپارچه و متحد

توده ها میوه تا امپریالیسم را برای همیشه بگوریم، در انحصار طلبی و قدرت گرایی گروهی بمیدان تاخت و تازد های درونی را دامن زده، موجب بروز اختلافات و از هم پاشیدگی خلق و نیروهای مبارز و بهم فشردن گردید. بیشک این جدائیها و نفاق هاسرنوشتی بس دردناک برای انقلاب ما دارد و هم اکنون نشان این اختلافات را در همه جا میتوان دید و حتی دامنۀ آن بمدارس نیز کشیده شده و خواهد شد. اینجاست که مسئولیت اجتماعی و خصلت انقلابی شما حکم می کند که با آگاهی و هشیاری تمام چنین اختلافات دامن نزنید و از راه وحدت اصولی با تمام نیروهای ضد امپریالیستی جلو این نفاق ها و جدائیها را بگیرید. خوشبختانه شما خوب میدانید تنها سلاحی که امپریالیسم، این دشمن اصلی و خونخوار ملت

ایران را برانود و آورد صفوف بهم فشرد، خلقها و وحدت و یکپارچگی نیروهای رزمند* مردم ما بود .

گمان نکنید که امپریالیسم و ابادی وابسته‌اش در بست شکست خورده و تسلیم انقلاب شده‌اند و اکنون موقع آنست

که به حسابرسیهای ایدئولوژیکی و اختلاف سلیقه‌ها بپردازید

که برعکس بیشتر باید مواظب حرکت و حيله‌های آن باشید

چه دشمن سلاحی را که با آن زخم خورده خوب میشناسد و

هم‌اکنون میکوشد با نفاق افکنی‌ها و جدا کردن مردم و

اقتضار مختلف از هم راه استقرار و استیلای مجدد خود را

هموار سازد . لذا با شیوه‌های مختلف و در لباسهای

گوناگون میکوشد مبارزه* ضد امپریالیستی ملت ما را منحرف

کند و بین نیروهای خلق شکاف ایجاد نماید . یگو از

شیوه‌های نفاق افکنانه او رخنه در مراکز آموزشی و ایجاد

اختلافات جزئی است تا این نیروی پر توان و انقلابی و

سرگرم جزئیات کرده با استقرار خود بپردازد . اکنون —

شما دانش‌آموزان عزیز است که خود را برای مقابله با این

هیولای خونخوار به سلاح دانش مجهز کرده و برای خنثی

کردن نقشه‌های شوم و ریاکارانه* او در تشکل بیشتر خود

پکوشید و اختلافات عقیدتی و جزئی خود را دوستانه حل

کرده همچون سد محکمی در مقابل نفوذ عناصر مشکوک و

تفرقه افکن بایستید ، بخاطر کمبودها و نواقص و مشکلات

مدرسه و کلاس که بی شک نتیجه* عدم تغییر بنیادی سیستم

آموزشی است ، مدرسه و کلاس را به هرج و مرج و تعطیل

نکشانید بلکه با برخورداری اصولی مسائل و مشکلات را در شورای دانش‌آموزان تجزیه و تحلیل کرده راه حل منطقی آنها به شورای معلمان و مدرسه ارائه دهید ، و بابر قراری یک تفاهم منطقی و رابطه* انقلابی بین همه دانش

آموزان ، توان خود را در ایجاد یک محیط آموزشی

دموکراتیک و استقرار یک فرهنگ انقلابی در سطح کشور

بکارگیرید . اینک برای ادای وظیفه* انقلابی و انجام

فعالیتهای آموزشی و اجتماعی توجه شما را به رهنمودهای

زیر جلب نموده توفیق همگی شما را در راه مبارزه با بازمانده

امپریالیسم و جلوگیری از بازگشت مجدد آن آرزو می کنیم .

۱ — تشکیل فوری شورای دانش‌آموزان مرکب از نمایندگان

واقعی و منتخب خود بمنظور شرکت فعالانه در مسائل

مختلف مدرسه و کلاس .

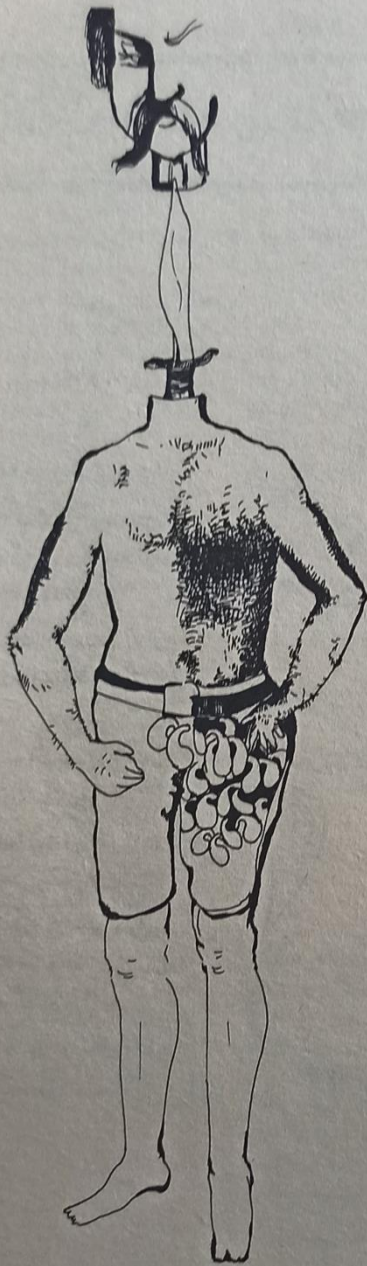
۲ — تشکیل برنامه‌های مطالعات جمعی بمنظور کسب

آگاهیهای سیاسی — اقتصادی و اجتماعی



تعلیم و تربیت صحیح تنها در یک محیط آزاد و دموکراتیک

میتواند نمر بخش باشد



- ۳ - ایجاد برنامه های سخنرانی و جلسات بحث آزاد ،
تأثر ، فیلم ، اسلاید ، نمایشگاه عکس و کتاب .
- ۴ - تشکیل کانون مستقل دانش آموزان که بتواند دانش
آموزان منطقه را زیر پوشش خود بگیرد .
- ۵ - برقراری ارتباط با سایر کانونهای فرهنگی و دانش
آموزی در سراسر کشور .
- ۶ - برقراری ارتباط دائم با شورای معلمان

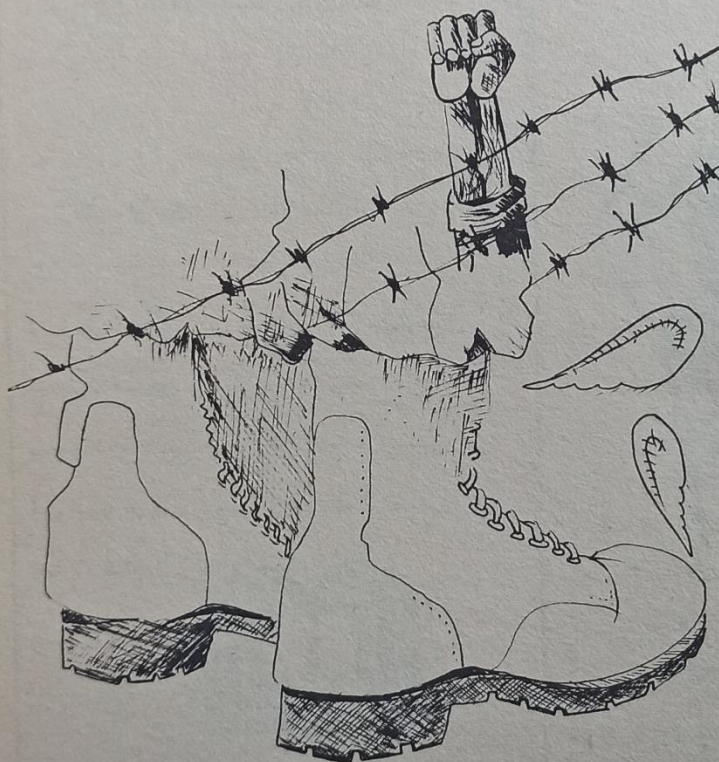
دانش آموزان عزیز :

د فتر روابط عمومی کانون مستقل معلمان چهار محال و
بختیاری ، بمنظور تماس با شما و دریافت نظرات ،
پیشنهادات ، انتقادات و مقالات شما جهت درج در
این نشریه روزهای دوشنبه و پنجشنبه از ساعت ۵ - ۷
بعد از ظهر باز و آماده است .

برهه‌مکاران مادر بند رعباس چه می‌گذرد

سه شنبه بیست و نهم آبانماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۶۱ صفحه ۲

باتحضر معلمان و دانش
آموزان در اداره کل آموزش و
پرورش مدارس بند رعباس
تعطیل شد



بند رعباس - خبر نگار بامداد -
بد نیل اخراج ۱۱ نفر از دبیران
دبیرستانها از سوی آموزش و پرورش
استان هرمزگان دیروز کلیه مدارس این
شهر تعطیل بود معلمان و دانش آموزان
بند رعباس ضمن تحصن در اداره کل
آموزش و پرورش پشتیبانی کامل
خود را از دبیران اخراجی اعلام کردند و
هشدار دادند اگر موضع این ۱۱ نفر
رسیدگی نشود از حضور در کلاسها
خودداری خواهند کرد آنها از مقامهای
صالح و وزارت آموزش خواستار
افشاکری در مورد ۱۱ نفر دبیران
اخراجی که گفته می‌شد کمونیست
هستند شدند متحصنین همچنین
با صدور اعلامیه‌ای خواستار برکناری
مدیرکل آموزش و پرورش و معاون
اوشدند.

اگر توجهی به بند رعباس نشود باز هم

آموزان طی قطعنامه‌ای خواستار اخراج و محاکمه مدیرکل و معاون وی و بازگرداندن معلمان اخراجی و تبعیدی می‌شوند. جریان توسط هیاتی که از تهران به بندر عباس رفته است، تحت رسیدگی است.

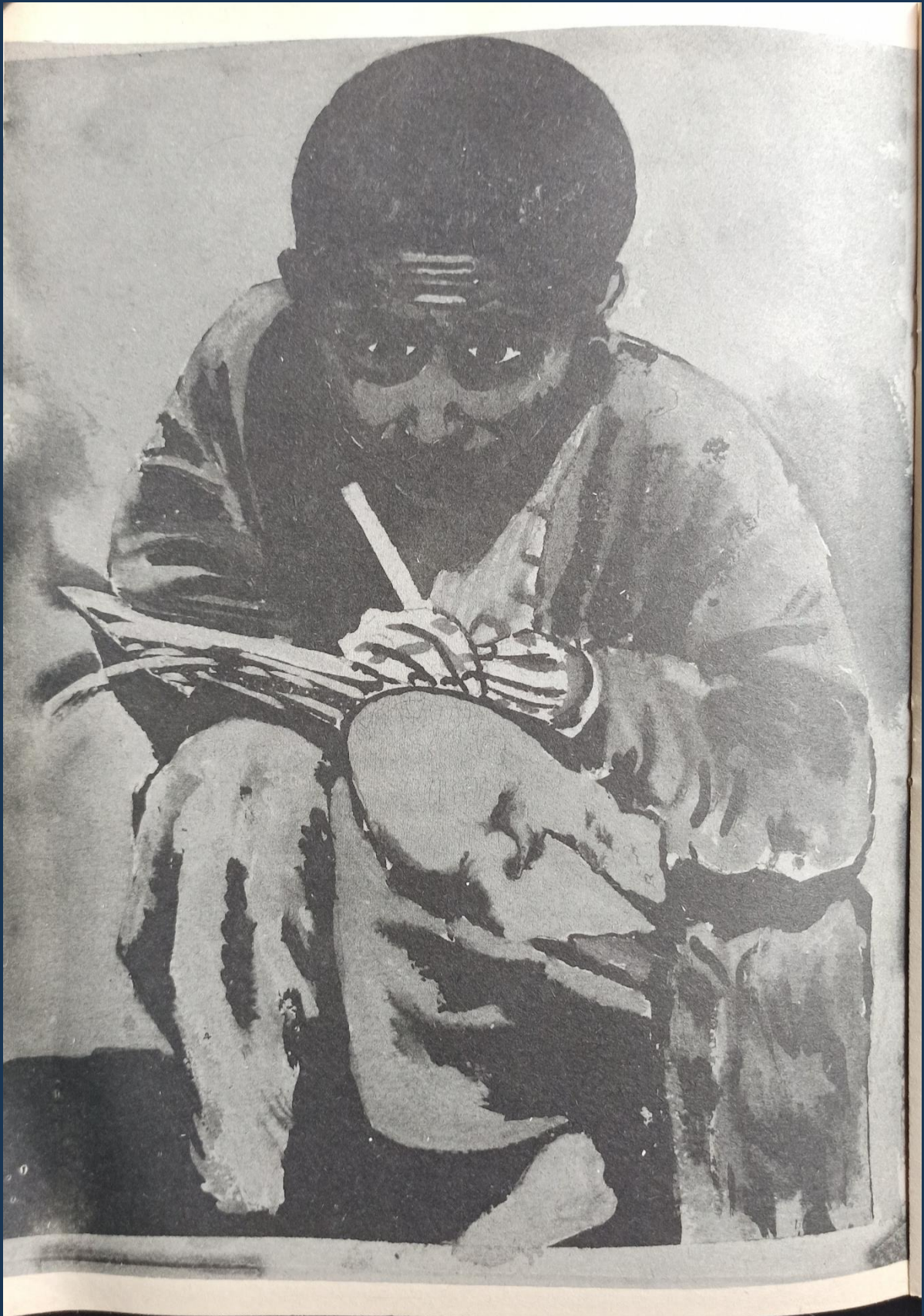
این خبرگوشه‌ای از برنامه هائی را نشان می‌دهد که در آموزش و پرورش برای کنار گذاشتن معلمان آگاه و مبارز به بهانه‌ها و اتهامات واهی مختلف تدارک دیده‌اند. تنها در بندر عباس و شهرهای تابعه نیست که حقوق و حریم معلمان اینگونه مورد تجاوز قرار گرفته است. در کردستان و کرمانشاه معلمان مبارزی را که سالها با رژیم جنایتکار پهلوی در ستیز بوده‌اند، در میانه‌های تیر تصفیه کرده‌اند. در تهران و بسیاری از شهرها تضییقات فراوانی را صورتها^ی مختلف برای معلمان فراهم نموده‌اند.

ما قاطعانه اعلام می‌داریم در شرایطی که علیرغم خواست دانش‌آموزان و معلمان تصفیه واقعی آموزش و پرورش از عناصر وابسته صورت نگرفته، اخراج و تبعید معلمان آگاه و متعهد همراه با اقدامات غیر اصولی و نادرستی که تا کنون در آموزش و پرورش ما صورت پذیرفته، کمک به حفظ و تحکیم پایه‌های فرهنگ استعماری و جلوگیری از دست یابی به فرهنگ انقلابی و مردمی است. ما بارها خطرات و لطامات اینگونه اقدامات انحصار طلبانه و واپس‌گرایانه را افشاء و محکوم کرده‌ایم و اکنون با اعلام پشتیبانی کامل خود از خواست‌های برحق معلمان و دانش‌آموزان استان هرمزگان خواهان رفع هر نوع تضییق و تجاوز به حریم شغلی معلمان در سراسر کشور می‌باشیم.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۸/۹/۱۵

علیرغم اعتراضاتی که تا کنون در مورد اخراج و تبعید معلمان آگاه و مبارز و دخالت‌های ناروای عناصر و مراکز غیر مسئول در امور آموزش و پرورش به عمل آمده است، همچنان شاهد اینگونه اقدامات غیر اصولی و نادرست در گوشه و کنار کشورمان هستیم. این بار امر به اصطلاح تصفیه در مورد معلمان زحمتکشی صورت گرفته که در دور افتاده‌ترین مناطق و در نا مناسب‌ترین شرایط زندگی به آموزش و پرورش محروم‌ترین فرزندان این آب و خاک کمر بسته‌اند. خیر باختصار چنین است که "در بندر عباس به دنبال انتصاب نا بجای مقامات آموزش و پرورش استان هرمزگان (مدیرکل و معاون وی) و دخالت‌های ناروای کمیته امام، تضییقات مختلف برای معلمان فراهم میگردد: در بندر عباس از استخدام ۲۸ نفر از فارغ التحصیلان دانشسرای راهنمائی تحصیلی که از مبارزان فعال و مبارز اعتصابات سال گذشته بوده‌اند، خود داری می‌کنند و از ثبت نام ۱۰ نفر از دانشجو، معلمان فعال و مبارز سال دوم همین دانشسرا نیز جلوگیری می‌نمایند. بدنبال اعتراض به این عمل، ۳ نفر از معلمان یکی از بخشهای بندر لنگه را تبعید می‌کنند. یکی از دبیران را بازداشت می‌نمایند که بعداً "بدنبال اعتراض وسیع معلمان و دانش‌آموزان بندر عباس و میناب آزاد میگردد. در بندر عباس ۱۵ نفر از دبیران را ممنوع التدریس اعلام می‌کنند و حکم اخراج ۱۱ نفر از آنان را نیز صادر می‌نمایند. این اقدامات خود سرانه که ارتباط با یکدیگر صورت گرفته، اعتراض دانش‌آموزان و معلمان بندر عباس، بندر لنگه و میناب را برمی‌انگیزد و منجر به تحصن آنان و تعطیل مدارس این منطقه می‌گردد. معلمان و دانش



پژوهشگر
جنبش معلمان



از میان مطبوعات

کتابهای درسی هماهنگ با روح انقلاب نیست

در حالیکه می بایست یکی از مهمترین وسایل فرهنگ اصیل ما باشد با این همه ببینیم در کتابهای درسی چه تغییری داده شده و معیار این دگر گونیها چه بوده است؟ کتابهای فارسی، اجتماعی، جامعه شناسی در کلیه کلاسها و تاریخ در بعضی کلاسها دستخورد تغییراتی سطحی شده و بقیه کتابها تقریباً "بهمان صورت سابق تکریر گردیده است".

در بسیاری از کتابها فهرست ضمیمه ای وجود دارد که دانش آموزان بر اساس آن عباراتی از کتاب را حذف می کنند و یا حملاتی را که به آن اشاره شده حایگزین بعضی سطوری سازند یک مقام آگاه در سازمان کتابهای درسی گفت بعزلت بروز مشکلات ناشی از انقلاب موفق نشدیم آنطور که باید در مضامین کتابها تجدید نظر کنیم و بطوریکه میدانید بسیاری از کتابها بهمان صورت سابق تجدید چاپ شده است.

برنامه ای در دست است که بر اساس آن مؤلفین گرد می آیند تا برای سال آینده محتوای کتابهای درسی را موافق با روح انقلاب تغییر دهند.

کتاب علوم سوم را ورق میزنیم در صفحه ۲۸ این کتاب نامهای سوسن و بهرام به فاطمه و علی تغییر یافته ارج و منزلت علی (ع) و فاطمه (ع) بجای خود ولی آیا استعمارزدائی از متن کتابهای درسی به مفهوم ایران زدائی است و اگر نام ایرانی به عربی تغییر یابد دین انقلاب ادا شده است؟ در بخیر

سال گذشته، مدرسه از قالبهای آموزشی خود در سطوح یاد شده خارج شد و بمثابه کانون میارزه علیه فاشیسم و امپریالیسم و سنگر دفاع از آزادی و حریت انسانی، مرحله نوینی از حیات خود را آغاز کرد.

رژیم اگر مدارس را تعطیل میکرد از مهار هزاران دانش آموز، جان بر کف که قلم هارا به کوکتل مولوتف داده و به تحصیل وازگان انقلابی روی آورده بودند عاجز میماند و اگر مدارس را می گشود بازهم وضع بر همین مثنوال بود. اما امسال، دانش آموزان فارغ از مصائب گذشته میتوانند به خود سازی،

روی آورند تا بر همین اساس دوران سازندگی جامعه خویش را آغاز کنند و این مهم تحقق نی پذیرد مگر که کتابهای درسی با مضامینی علمی و اجتماعی عرضه شود، لیکن آیا تغییراتی که در محتوای کتابهای درسی داده شده حتی به عنوان فواز نخست تصفیه اصولی است؟ تغییرات تازه در چه جهشی است؟ در آستانه نخستین سال تحصیلی، اتحاد ملی زنان بعد از انقلاب طی بیانیه ای نقایض کتابهای درسی را همراه با تغییراتی که در آنها داده شده بر شعرد این هشدار بود به فرهنگ مردان رژیم فعلی کشور که بدون توجه به خواست انقلاب با سمت گیری بسوی فرهنگ مذکر، تا به آنجا که زمان یاری داده است، در محتوای کتابها دگر گونیهای ایجاد کرده اند. همه میدانند که کتابهای درسی سمبل فرهنگ استعماری بود

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

۲۵

دیگری از بیانییه اتحاد ملی زنان آمده است در خط چهارم، همان درس ۰۰۰ سوسن گاهی همراه مادرش به بازار کوچکی، که نزدیک خانه آنهاست میرود تا به او کمک کند تغییر کرده، است به بجای آنها علی با پدرش به خرید میروند ۰۰۰ به همین اعتبار نتیجه گیری شده که این اقدام کوششی است در جهت خانه نشین کردن زن و راندن او از جامعه زیرا که زن، باید با انکا، به مرد مرغ خانگی باشد و حتی برای مایحتاج روزمره هم به امید مرد خانه بماند بنابراین ارتباطش حتی با بازار هم منوع است.

در ادامه همان درس در عبارت بعضی از کارهای خانه به عهده بهرام است، اسم بهرام به فاطمه تغییر یافته و بازار حمله ولی بیشتر وقت آنها در دیستان می گذرد، به او هم "فاطمه" در خانه به مادرش کمک میکند تبدیل شده است. در سطر هفتم همان درس آمده بود، سوسن و بهرام حیاطی برای بازی ندارند و وقتی که از مدرسه بر میگردند به تماشای خیابان و اتوبوسها مشغول میشوند، این عبارت نیز به این صورت تغییر یافته، فاطمه و علی از اطاق خود به تماشای خیابان مشغول میشوند، تغییرات فوق این ابهام را بوجود میآورد که اگر در رژیم گذشته بودند دانش آموزانی که حیاط برای بازی و اتاق شخصی نداشتند، در رژیم جدید همه بچه ها دارای اتاق هستند.

حذف مطالب علمی

از صفحات ۳۲ به بعد در همان کتاب که پیرامون زندگی انسانهای اولیه مطالبی درج گردیده بود یا بکلی حذف شده و یا دچار تغییراتی غیر اصولی گردیده است، برای نمونه عبارت انسان ها ساختن خانه را از حیوانات آموختند و یا

دیدن لانه پرندگان فهمیدند که میتوانند از شاخه های درختان دیواری درست کنند و روی آن را هم با شاخه و برگ ببوشانند ۰۰۰۰ بکلی حذف گردیده و سؤال شماره ۲ صفحه ۳۰ در رابطه با همین نوشته بدینگونه تغییر کرده است، انسانهای نخستین چگونه خانه می ساختند، و از صفحه ۱۰۸ که شروع سرگذشت زمین است تا آخر کتاب حذف شده است که شاید دانش آموزان نباید سرگذشت زمین و مسیر تکامل جوامع بشری را بشناسند.

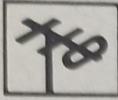
تاریخ از زاویه تاریخ

در میان کتابهای درسی تاریخ از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در رژیم گذشته حتی خونخوارترین پادشاهان بمنظور تداوم سیستم سلطنتی تبرئه می شدند اما تاریخ در سال جدید هیچ تغییری نکرده است.

شاه عباس به رغم همه خیانتهایی که به انسان و اسلام کرد، هنوز از لقب کبیر برخوردار است.

هنوز در تاریخ سال دوم راهنمایی عباراتی نظیر هنگامیکه شاه عباس به تخت سلطنت جلوس کرد ۰۰۰۰۰ و نخستین تدبیر شاه عباس از میان برداشتن سرداران و درباریان گردنکش بود بچشم میخورد.

در مقدمه همین کتاب آمده است سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ در تاریخ حیات اجتماعی ماکاملاً استثنائی و بی سابقه بود. سالی به ظاهر آشفته که در جریان آن انقلاب اسلامی ایران تضحی گرفت و ارزشهای اجتماعی ما در عین حال که دستخوش تحولات عظیم بود استحکام تازه یافت این دگرگونیها ایجاب میکرد که در دیدگاههای پرورشی برنامه ها و کتابهای بقیه در صفحه ۳۳



سینما و تلویزیون و عملکرد آن در رژیمهای وابسته

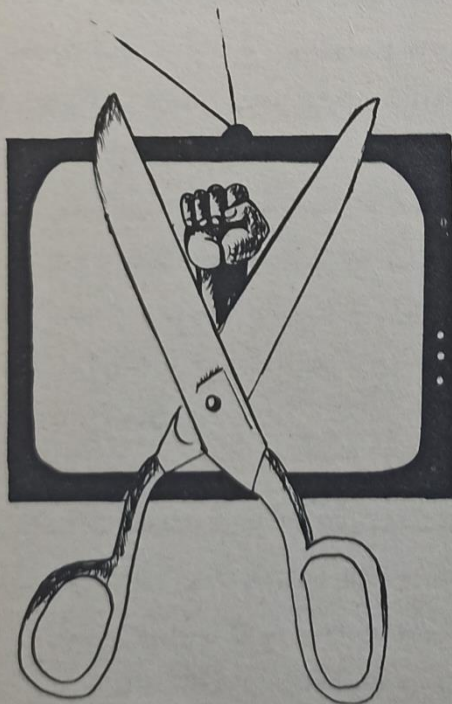


در این مقاله، تلویزیون را به این علت در کنار سینما قرار داده ایم که از نظر نمایش فیلم، خود، سینمائیست با کاربرد وسیع و گسترده و از این هر دو در رابطه با فیلم و نمایش فیلم سخن میگوئیم. سینما و تلویزیون را معمولاً از وسایل ارتباط جمعی میدانند ولی به علت اهمیت خاصی که در انتقال فرهنگ و آموزش انسان و جامعه دارند بهجرات میتوان از آنها بعنوان نهادی آموزشی و فرهنگی نام برد که در ارتقاء دانش و آگاهی و ساخت انسان متعهد بسیار مؤثرند.

نظام پوسیده سرمایه داری و عامل کمربسته آن یعنی رژیم مغز پهلوی این دو منبع ارزنده را در کشور ما به لانه های فساد تبدیل کرده بود و از آنها در جهت خوش خدمتی به امپریالیسم و ترویج اخلاق و فرهنگ منحط استعماری استفاده میکرد و بکمک آنها دیگر نهاد های اجتماعی ما را اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی منحرف و تباه مینمود.

در رژیمهایی که بر مبنای سرمایه داری وابسته استوار باشند، معیار همه چیز حتی فرهنگ و دانش نیز پول و سرمایه است و بهمین دلیل بود که حتی دانش آموزان ماهنگام انتخاب رشته ای را انتخاب میکردند که پول ساز و سود آور باشد. سینما و تلویزیون نیز در کشور ما در خدمت خود و سرمایه بود. اما کاش از آنها فقط برای کسب سود استفاده میکردند که متأسفانه چنین نبود بدین معنی که از سینما و تلویزیون و بطور خلاصه از فیلم علاوه بر کسب سود که در جهت مکییدن

خون مردم و تحمیل هر چه بیشتر توده های ساده لوح و زحمتکش ما و تخریب اندیشه و تفکر آنان سود میجستند، فیلمسازان وابسته، باین وسیله فرهنگ پویای مردم ما را بابتدال می کشیدند، اینان کانون مخربی بودند که مشتی بی هنر، تهی مغز و خود فروخته را بعنوان هنر پیشه و هنرمند، دور خود جمع میکردند و هنرمندان متعهد و مسئول را بانزوا می کشانیدند.



زیادی هم داشتند، همه از تیپ جوانان و نوجوانان بیکار بزهکار، ولگرد و بی سرپرست و احیاناً "غائبین و مطرودین" مدرسه و خانواده که بجای کار یا کلاس هر روز از همان صبح دم در این سینماها ازدحام کرده و به انتظار شروع سپاس صبحگاهی پر سه میزدند، تخمه میشکستند، گلاویز هم میشدند و به یکدیگر فحش میدادند و صحنه های هیجان انگیز فیلمها را تقلید میکردند. ایشان قربانیان بلا فصل این فیلمها بودند که متأسفانه بعلت کسب و نهاد پاک و نا ساخته خود خیلی زود تحت تأثیر تلقینات سوء و تبلیقات فاسد چنین فیلمهایی قرار میگرفتند و میدیدی که پس از تماشای فیلم چه خندان و سر حال از سینما بیرون میآیند و بعید هم نبود که اکثر راه قهرمانان فیلم را در زندگی خود تعقیب کنند.

دست بخت سینماگران رژیم تنها به سینما ختم نمی شد که - بگوئیم دیگر افراد اجتماع از تأثیرات آن بر کار باشند بلکه تلویزیون را هم زیر پوشش خود گرفته بودند و چون کاربرد تلویزیون وسیع تر از سینما است یعنی در اکثر خانواده ها هست طبعاً "خانواده" را با تمام سنتها و فرهنگ و اخلاقیات به تباهی می کشیدند و با نمایش چنین فیلمهایی در انحراف خانواده این مقدس ترین رکن اساسی اجتماع می کوشیدند.

نمایش فیلمها نظیر "قلندر" و فیلم "نصیریان" از این قبیل بود "قلندر" از همان سری فیلمهای لمبنی و حاحل بازی است با هنرنمایی های ناصر ملک مطیعی، حاحل سبیل کلفت و قلندر پیش کسوت شهر که رک و راست راه میرود و قنارهاش همیشه پر شالتر قرار دارد، قلندر عاشق دختری میشود که در خانه خود بزرگ شده و گمان میکند قلندر برادر اوست، قلندر برای حل این معما و خلاص شدن از دست

انحصارگران سینمایی رژیم، درست (در قالب آرزوی) سرمایه داران هالیوود ریخته شده بودند. در کاخهای هالیوودی زندگی میکردند و اتومبیل ضد گلوله سوار میشدند و با ادا و اطوارهای فرنگی مآبانه خود اخلاق فاسد سرمایه داری را بعنوان نمونه ای از فضیلت انسانی و اخلاق حسنه معرفی و ترویج میکردند و گاه در فیلمهایشان در قالب سرمایه دارانی خیسرو دلسوز ظاهر میشدند که به فقری کمک می کنند یا دست نوازش بسریشی می کشند و قس علیهذا فعالیت هنری اینان اغلب منحصر میشد به فیلمهایی با محتوا جاهل بازیهای هنر پیشگانی نظیر فردین، بیک ایمانوردی و ناصر ملک مطیعی که یعنی ترویج و نمایش زندگی قشر لمبن اجتماع، قشری نا آگاه و طفیلی که اغلب وسیله سرکوب و جماع سرمایه داران قرار میگیرند از تقاله فضلشان - نواله میخورند و تحت فرمانشان از حرکت آزاد یخواهانه توده ها جلو میگیرند و مقاومت های مردمی را درهم میگویند، همانها که صورت متبلورشان را در شعبان بی مخ ها دیده ایم و میبینیم، قشری که اکثراً در میخانه ها و تمارخانه ها بسر میبرند و تنها نهاد عاطفی شان این است که عاشق زن فاحشه و یا خواننده کافه های ساز و غری می شوند و با ریختن آب توبه بسروشان یا آنها ازدواج میکنند. چنین بود محتوای اکثریت فیلمهای سینماگران ما که با انتخاب قهرمانان مرد و زنی از این تیپ، به ترویج زندگی بی بند و بارانه و طفیلی و اربوداخته و بدین گونه جوانان و نوجوانان بی سواد و ساده لوح مارا از مسیر زندگی عادی و اجتماعی دور میکردند. و چنین بود که اگر در یکی از شهرهای این میهن عزیز سری به سینماهایش می زدی بیشک از هر ده سینما نه تایی آن به نمایش فیلمهایی از این دست مشغول بودند و متأسفانه خریداران و تماشاگران

خواستگاران دختر را برسم امانت بعقد جاهل دیگری در می‌آورد، دختر یک روز فرار میکند و بخانه شوهرش می‌رود مادر این جاهل با اصرار تمام عروس و داماد را به حجله می‌فرستد، و قلندر به جستجوی خواهر به خانه جاهل می‌آید و از زبان مادرش می‌شنود که آنها دست به دست شده‌اند، قلندر در راه جاهل کمین می‌کند و او را بضرب قداره می‌کشد و دختر برای گرفتن انتقام از قلندر راهی فاحشه‌خانه می‌شود، فاحشه‌خانه‌ای با زنان زیبا، خانم رئیس مهربان و زندگی مرفه‌گونه و حال و وضعی شادمانه با انضمام چند جاهل باج‌خور، اینان جمعا "کانون گرم و با فضیلتی را تشکیل می‌دهند که انگار نه انگار محیطی فاسد و مرکز فحشاء است. اینها آنچنان شاد گونه هستند که انگار نه انگار ستم اجتماعی و استثمار طبقاتی آنان را بچنین محیطی افکند. است. صحنه هایش را آنچنان دوستانه و عادی بنمایش گذاشتند که این توهم را در خانواده‌ها و بینندگان بوجود می‌آورد که اینهم خانواده است نظیر دیگر خانواده‌ها با این تفاوت که گویا تفنن و خوشگذرانی آنها را به این محیط کشانده، وقاحت و بیشرمی و انحطاط، را بشکل عادی و پذیرفتنی و دوست داشتنی نشان میدادند و بالاخره فیلم اجتماعی اخلاقی سینماگران وابسته با خودکشی قلندر تمام می‌شود.

فیلم "نصیریان"، این گل سرسید هنرمندان رژیم از این هم مفتضح تر بود، نصیریان در این فیلم در قالب مرد آواره و دورگردی ظاهر می‌شود که کسب و کار و خانه و زندگی او یک میان پیکاب است با وسایل مختصر زندگی و عرق فراوان که هر کجا را خوش بینند زیانش را پارک کرده و با آداب تمام به عرق

خوری می‌نشیند، یک شب در راهی زن لخت و هراسان و گریانی را در کنار جاده می‌بیند او را سوار میکند، زن از ظاهرش پیدا است که از دست چند جاهل فرار کرده و حالا، هق هق گریه و سکسکه امانش نمی‌دهد که حرف بزند نصیریان این آواره لوطی باشی با دست خود پاهای گل آلود زن را می‌شوید و کت خود را به او می‌پوشاند و شب را در پیشگاه باهم بروز می‌رسانند، نصیریان گلوش پیش فاحشه گیر می‌کند او را به امانزاده میبرد و آب توبه به سرش میریزد تا با او ازدواج کند ولی غافل از اینکه زن در همان امانزاده با مردی قرار می‌گذارد و سرانجام نصیریان را قاتل می‌گذارد، وی نا امید و غمزه همه شهر را در زیر باران زیر پا می‌گذارد و مناظر دلکش زندگی او با فاحشه در مغزش مرور میکند و او را به دره سقوط می‌سپارد و دست‌آخری را نشان می‌دهند که بالای جسد له شده نصیریان و خرد ریزه‌های ماشینش ایستاده و عکسی از آن خود را بر میدارد و بی اعتنا و آدامس جوان سر خود می‌گیرد.

و بدینگونه ریشه فحشا را نه از فقر و اضطرار و فشار زندگی طبقاتی که از خود خواهی و عشرت طلبی زنان میهن ما دانسته و به خانواده‌ها القا می‌کردند و آنرا لا علاج و غیر قابل برگشت معرفی می‌نمودند و اذهان عمومی را با نمایش چنین فیلمهایی از واقعیات زندگی مصرفی و محنت باری که آنها را احاطه کرده و شرف و حیثیت و فرهنگ و اخلاق آنانرا بمخاطره انداخته منحرف می‌کردند.

سینماگران رژیم گاهی هم بفکر زحمتکشان و روستائیان و زندگی فلاکت بار آنان می‌افتادند و بر آن می‌شدند تا فیلمی از کار و زندگی آنان بمعرض نمایش بگذارند

و در ورثه آنان را بدیگران بنمایانند و چنین بود که فیلمهای میساختند تا بر "صمد به شهر میروند" صمد به د میروند" و یا "صمد به جای دیگری میروند".

در این فیلمها سیمای سوخته و جروکیده، اندام استخوانی و دستهای پینه بسته روستائیان شریف مارا در آدمهای خپله و جای و جله و تهی مغزی چون "صمد" و "قوچ علی" نمایار میدادند و کمر روستائیان مارا که در زیر بار ستم ارباب و دولت هر دو خمیده شده و زندگی محنت بار آنان را که برای لقمه ای نان از صبح تا شب عرق میریزند و آبی فراغت و آسایش ندارند، آنچنان بر افراشته قامت، فبارغ البال، مرنه و نادمان در قالب "صمد" و "قوچ علی" نمایش میدادند که آنطور ادا و اطوار در می آوردند و کاری جز مسخره بازی و لگدی و بوق و کرنا زدن ندارند، آری فیلمسازان ما بدینسان ستم سالیان و استثمار قرون را از چهره زحمتکشان، روستائی ما میزدودند.

این بود کلیت همه آن سینما و فیلمی که اصطلاحاً "فیلم فارسی می گفتم، نهادهای فرهنگی و مراجع مسئول؟، تمدن بزرگ اینچنین در کار فعالیتهای کاسیکارانه و ترویج ابتذال و فحشا و اخلاق کثیف و فاسد سرمایه داری در حیطه فرهنگ و اخلاق احتما می بودند، اینان با ساختن چنین شاهکارهایی علاوه بر انحراف توده ها و ملت زحمتکش ما از واقعیت اجتماع استثمار زده و زندگی اسارت بارشان سدی در برابر تفکر و تعقل هنری در ابعاد وسیعتر میکشیدند و نه تنها کاری در امر آموزش و هدایت نسل جوان و خانواده های ایرانی نمی کردند که آنها را از مسیر عادی و رشد طبیعی خود نیز منحرف میکردند. وارد کنندگان فیلم نیز دست کمی از سازندگان آن نداشتند

اینان تحت نظر انحصارات سینمائی غرب با وارد کردن فیلمهای کاراته ای هنگ کنگی و سکسی ایتالیائی و پلیسی آمریکائی به ملت و فرهنگ ما خیانت میکردند.

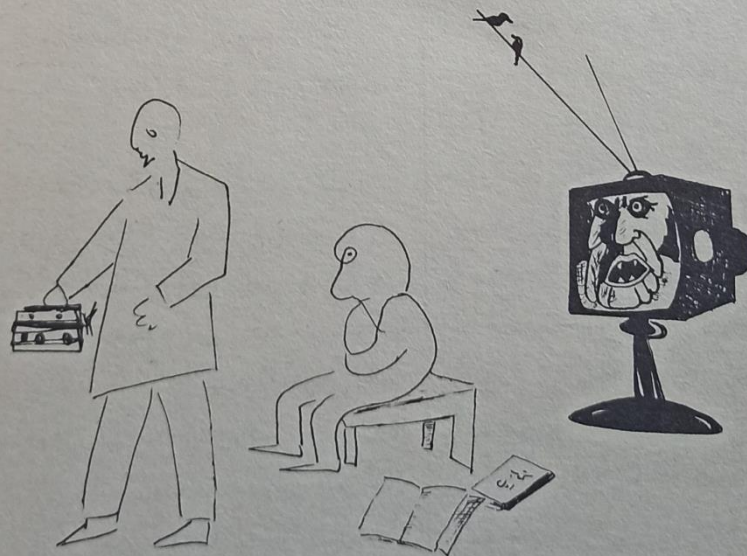
این آقایان با وارد کردن و بنمایش گذاشتن فیلمهای نظیر مرد شش میلیون دلاری، زن اتی و بالاخره، زورو، که هنوز هم روی صفحه تلویزیون نمایش داده میشود، چه چیز از فرهنگ و دانش بشری را برای ما به ارمغان میآورند، جز آموزش طرز تفکر ایدئالیستی و فوق بشری و قهرمان پروریهای پوچ و بی مزه که همگی حاکی از عاجز و ناتوانی مردم در اداره امور و حل و فصل مشکلات و معضلات زندگی بوده و بدنبال آن تلقین این نکته که فقط به یمن همت چنین قهرمانان مشکلات و سختی ها و سعادت و رستگاری می توانند دست یابند، آخر برای مردمی که معتقد به لزوم قهرمان و رهبر خارق العاده باشند همیشه میشود قهرمانی تراشید و بکک همین قهرمان خائن و وطن فروش است که میشود عمری مردم زحمتکش و ملت رنج دیده را غارت و جباول نمود.

آری سینماگران ما با نمایش این فیلمها ملت ما چنین القا میکردند که همیشه نیاز به قهرمان دارند اما چه خوب گفته است برشت ((بدبخت ملتی که احتیاج به قهرمان دارد)) این وارد کنندگان در جوف فیلمهای وارداتی فرهنگ استعماری و اخلاق پوچ و بازی را به ملت ما تحمیل میکردند و به همین دلیل بود که در دوران انقلاب سینماها زودتر از هر لانه فساد به آتش کشیده شدند.

ما تصور میکردیم که بعد از انقلاب دیگر شاهد چنین فیلمهای نخواهیم بود که متأسفانه هستیم، فقط با این تفاوت که صحنه های سکسی فیلمها را قیچی کرده اند که البته این عمل

شود، ما انقلاب نکردیم که فرهنگ استعماری در زورق پیچیده شوند و به ملت ما تحمیل گردند. ما انقلاب کردیم که بنیادهای فرهنگی و آموزشی ما مطابق با روح انقلاب تغییر کرده به نیازهای انقلابی جامعه ما پاسخ مثبت دهند. اینک به سینماگران و فیلمسازان خود پیشنهاد می کنیم که سینما این نهاد بزرگ و ارزشمند فرهنگی را حدس نگیرید، وظیفه و رسالت بزرگ خود را فراموش نکنید، سینما را از وسیله تفریح و تخریب به مرکز آموزش و هدایت نسل جوان و خانواده ها تبدیل کنید و خلاصه آنچه در این اجتماع و برای این مردم مردمی که دوستان دارید، مردمی که دوستان دارند میتوانند انجام دهید.

تمییری در محتوای ضد خلق و ارتجاعی فیلم نمی دهد. در اینجا این سؤال برای ما مطرح است که آیا سینمای بعد از انقلاب یا توجه به رشد و آگاهی سیاسی توده های مردم توانسته است وظیفه انقلابی خود را ایفا نماید؟ اگر قبلاً از انقلاب سینمای متعهد عرصه عرض اندام نداشت امروز باید پاسخگوی نیازهای انقلابی ملت ما باشد، مگر نه این است که هر گونه حرکت اجتماعی تطبیقی است از رشد فرهنگی آن جامعه در ارتباط با روند تکاملی عینی و ذهنی آن جامعه پس چه شده است که سینماگران ما بعد از انقلاب هم فیلمها را نمایش میگذارند که درونمایه آن لوذ کردن چهره کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا است. ما انقلاب نکردیم که رخساره به کل نشسته روستائیان ما به لجن کشیده



قطع نفوذ امپریالیسم تنها با محو کامل وابستگیهای اقتصادی،
نظامی، سیاسی و فرهنگی امکانپذیر است

درمدارس ماچه می‌گذرد

چندی پیش خبری از دبیرستان دخترانه نوربخش شهرکرد بدستمان رسید و حاکی از اتفاق جالب و تأسف‌باری است که روز سه شنبه ۸/۸/۵۸ برای کلاس سوم تجربی این دبیرستان پیش آمده و یکی از دانش‌آموزان که خود شاهد عینی و مدخول علیه حادثه بوده می‌نویسد که: آنروز فیزیک داشتیم و دبیرمان نیامده بود، لذا همه بچه‌ها کلاس را ترک کرده و در حیاط و میدان دبیرستان مشغول بازی و حرف‌زدن شدند، بدقایق بعد یکی از بچه‌ها که از کلاس می‌آمد گفت بچه‌ها همه بروید، کلاس و کتابهایتان را بردارید، چون مستخدم رفته توی کلاس و همه کتابها و وسایل ما را زورور کرده است، بعد همگی به کلاس رفتیم و کتابها و وسایل خود را درهم برهم دیدیم - همینطور که کتابهایمان را جمع میکردیم، یکی گفت من چیزی لای کتابم داشتم و حالا نیست، دیگری گفت منم یک اعلامیه داشتم و حالا نیست، یکی دو نفر دیگر هم همین اعتراض را داشتند، بعد بعنوان اعتراض به دفتر دبیرستان مراجعه کردیم که اتفاقاً "مستخدم" را دیدیم که چند اعلامیه در دست داشت، بدون اینکه کسی معترض مستخدم شده رفتیم پیش، مدیر و جریان را تعریف کردیم، مدیر گفت: من هیچ باور نمی‌کنم که یک مستخدم اینکار را کرده باشد، من به مستخدمهای مدرسه گفته‌ام اعلامیه‌هایی را که بدیوار می‌بینند بکنند! فکرنمی‌کنم مستخدم به کلاس شما رفته باشد و چنین کاری کرده باشد" دیگر هر چه گفتیم مدیرمان انکار میکرد، تا اینکه بآموزش

و برورش رجوع کردیم و چون همه را نپذیرفتند چهار نفر نماینده فرستادیم تا با معاون اداره صحبت کنند، ولی آقای معاون گفتند این موضوع مهمی نیست که من به آن رسیدگی کنم و وقتی با اعتراض روبرو شد گفت، این کار باید در دادگاه حل شود، باز بچه‌ها اعتراض کردند که جریان در مدرسه اتفاق افتاده و ارتباطی به دادگاه ندارد - سرانجام ایشان راضی شدند یک نفر را برای تحقیق بمدرسه بفرستند ولی نه تنها بقول خود عمل نکرد، بلکه اعتراض ما را اینجور مطرح کرده بود که دانش‌آموزان تظاهرات میکنند و میگویند ما مستخدم نمی‌خواهیم در صورتیکه ما خواستار جلوگیری از این عمل تفتیش عقاید و کنترل بیجا بودیم زیرا این عمل بی‌شبهت به کارهای ساواک نبود.

واقعاً "جای تأسف است که پس از اینهمه تلاش و از دست دادن اینهمه شهید، دست افراد ناآگاه و مغرض و غیر مسئول را اینگونه باز گذارند تا با تحریکات سوء و اعمال بیگانه خود دست آورد های انقلاب یعنی آزادی اندیشه، قلم و بیان را پبازی بگیرند و خود بخود محیط آزاد و دموکراتیک مدارس را باز تحت اختناق و فشار و حاسوسی و تفتیش عقاید در آورند.

یکی از دانش‌آموزان کلاس سوم اقتصاد در دبیرستان نوربخش به نمایندگی از سوی کلاس خبری برای ما فرستاده که به نقل -

۳۲	صدای معلم ۱
۱ - برگزاری کنکور اختصاصی برای هنرآموزان . ۲ - ایجاد دانشکده فنی در رأس هنرستانها شده اند . این تحصن بخاطر تصادف با ۱۳ آبان روز دانش - آموز شکسته میشود و از صبح دوشنبه ۱۴ آبان هنرآموزان بمحل تحصن باز میگردند . معاون اداره آموزش و پرورش به هنرستان رفته و بعدت یکساعت برای هنرآموزان صحبت میکند . پس از اتمام سخنرانی یکی از هنرجویان رشته سخن را در دست میگیرد و چنین میگوید : ضمن تشکر از معاون آموزش و پرورش که بالاخره بعد از چند روز به محل تحصن آمدند و سخنانی ایراد فرمودند ولی ایشان ضمن سخنانشان فرمودند که " دانشآموزان بازوی انقلابند و نقش مؤثر و کوبنده شان را بر پیکر رژیم سابق نشان دادند ولی اکنون به تحریک یکعده سرسپردگان امپریالیستها متحصن شده اند " . در این قسمت که گفتند دانشآموزان بازوی انقلابند و نقش ارزنده ای را در جریان انقلاب ایفا کرده اند شکی نیست دانشآموزان همانطور که سابقه درخشان مبارزاتی دارند و شنبه های خونینی از جمله ۱۳ آبان را بوجود آورده اند ، تا آخرین قطره خونشان در راه انقلاب و دست آورد های آن فداکاری خواهند نمود . ولی قسمت دوم که فرمودند	قسمتهائی از آن میپردازیم اوست نویسنده این خبری را که مسمی نویسم واقعیتی است که در کلاس سوم اقتصاد (ب) دبیرستان نوربخش رخ داده است ، ما دانش آموزان این کلاس از آغاز سال تحصیلی تا کنون حتی یک صفحه هم از کتاب اقتصاد - نخوانده ایم و سپس به شرح ماجرا میپردازد که در اولین جلسه اقتصاد معلم جدیدی بکلاسشان آمده و پس از سئوالاتی اظهار داشته که من اصلاً " به کتاب کاری ندارم چون کتاب اشتباه است و خودم برایتان جزوه میآورم و جزوه هم نیاورد " و از جلسه دوم به نوشتن مکاتب فلسفی و مردود شعردن - آنها پرداخته " ما که در زمینه فلسفه مطالعه کافی نداریم اعتراض کردیم که آقا بهتر است کتاب را تدریس نمایند - ولی او توجهی به اعتراض ما نکرد و همچنان بکار خود ادامه داد ، ما که چیزی نمی فهمیدیم کلاس او را ترک کردیم ، ولی او در قبال این عکس العمل بچه ها هیچگونه تغییری در روش خود نداد و از جلسات بعد رفتار تند و کینه توزانه را در پیش گرفت و حرفهای زشتی به بچه ها میزد ، سرانجام در جواب اینکه خواسته بودیم کتاب را تدریس نماید گفت : " شما زنها " میخواهید مثل حیوان چیزی را حفظ کنید . روز شنبه ۱۲ / ۸ / ۵۸ هنرآموزان هنرستان صنعتی مهندس حسن آلاپوش در سالن نقشه کشی هنرستان دست به تحصن زدند و خواستار جواب قطعی به قطعنامه خود شدند . هنرآموزان چند روز قبل از تحصن ، قطعنامه ای صادر کرده و در آن خواستار :
بدون تحول بنیادی در نظام آموزشی حفظ دستاوردهای انقلاب امکان ندارد	

۳۳	کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری
بچه ها کاغذ بردارید بنویسید کبوتر زیباست، بنویسید کلاغ بر نهایت زشت است، بنویسید دارا خوب است، بنویسید که دارا فردا قهرمان خواهد شد، بنویسید که آذر فردا قهرمان میزاید، بنویسید که آذری عروسی هم میتواند باشد، تا شب جمعه آینده مشقتان این باشد، که پدر دندان دارد، اما نان ندارد بخورد.	دانش آموزان که قبول دارند بازوی انقلابند، تحریر شده اند و آلت دست سرسپردگان امپریالیستها گردیده اند و لیاقتشان باید بداند که دانش آموزان همانگونه که آگاهانه حرکت کرده اند اکنون هم چنین حرکتی دارند و تحریر کنند را خودشان نابود خواهند کرد و هیچگاه آلت دست نخواهند شد. پس از برنامه سخنرانی نمایندگان شورای هنرجویان تشکیل جلسه دادند و تصمیم شورا را به همه هنرجویان ابلاغ کردند که با توجه به جلسه ای که در تهران جهت بررسی خواسته های هنرجویان سراسر کشور تشکیل شده و در حال بررسی هستند، تا تعیین و اعلام نتیجه این جلسه تحصن را شکسته و به کلاسهای درن باز میگردیم.
	دنباله از میان مطبوعات درس و روشهای آموزش ما تجدید نظر اساسی بعمل آید . . اگر چه در سطور بعدی توضیح داده شده که تغییرات در حد امکان انجام پذیرفته است، لیکن آنچه که بعنوان تجدید نظر اساسی به آن استناد شده با روح قضیه قابل انطباق نیست .
با ایجاد آموزش و پرورش خلی استعداد ها را شکوفا سازیم	

همجو امواج خروشان بی شکیب
همجو طوفانی بر آشوب و مهیب
قایم بر روی سطح آبها
گاه بالاگاه پائین می رود
باد با آن روزه های دلخراش
از کنار (راین) این سو می وزد
آسمان انبوه شد از ابرها
شاخه هائی از درختان کنده شد
گرد و خاکی در هوا بر خاست سخت
موجها در زیر سطح آبها
چرخشی خوردند و در هم ریختند

من در آن قایق که می لغزد هنوز
غوطه در اندیشه هایم می خورم
با شمای ای شهان، شهزادگان
روزگاری خلق های برد بار
بر سریر سلطنت بنشاندان
نردبان تختتان شد شانه شان

خلق ها پیروز مند و سرفراز
از وطن راندند هر بیگانه را
با وجود این شما فرعون وار
عهد بشکستید و خود دشمن شدید

اینک از (سن) باد و طوفان می وزد
شورش می افکند در توده ها
تخت زرین شما چون قایم
بر تلاطم گشته و لـرزان شده
"ارنست آگوست" در نگاهم خیره شد
خشم ها و کینه هایم را بین
مستبد، قانون شکن، بی آبرو
گوش کن طوفان چگونه می وزد
برق هر شمشیر بیرون از غلاف
در نگاه خلق می بینی کون
در جواب من بگو ای خیره سر
نصف من در قایق طوفانیم
خواب راحت می کنی در تخت زر ؟

روز دانش آموز را گرامی می‌داریم

۱۳ آبان

معلم شهید اجتماع کرده و بیانیه ای به این ضمون قرائت کردند:

((از این پس ما هم با مغزهای متلاشی شده از مریدان خود سپاسگزاری خواهیم کرد ، حال که قرار است مغز استادان شریف ما را با گلوله متلاشی کنند باید مغزهای مارا هم پیرشان سازند زیرا زندگی پس از آنها یعنی بزرگی و بزرگی ، و ما هیچ جهت ، لوق بندی را بگردن نخواهیم گرفت . ما در این لحظه در کنار استادان و مریدان خود سوگند میخوریم که هدف ما ادامه بی قید و شرط راه تست ، شعار ما تا پایان عمر ، زندگی با عدالت ، زندگی با شرافت و زندگی با آزادی " خواهد بود ، راه ترا به برادران کوچک خویش خواهیم آموخت و ماجرای شهادت ترا برای آیندگان نقل خواهیم کرد)) و بدینگونه مبارزه دانش آموزان بعنوان نیروی سر توان و آگاه همچنان ادامه یافت .

در سال ۱۳۴۳ که تاسکیرانان تهران بخاطر افزایش قیمت بنزین دست از کار کشید و اعتصاب نمودند و دولت وقت ، با ریختن ماشینهای ارتش بخوابانها قصد شکستن اعتصاب آنان را داشت دانش آموزان مدارس تهران بویژه مدارس

۱۳ آبان سالروز مبارزات ضد استبداد

و شد امیر یالستی دانش آموزان را گرامی میداریم

دانش آموزان ایران بعلت روح آزادخواهی و حق طلبی ، خود همواره در مقابل ظلم و ستم ایستادگی کرده اند تاریخ ، مبارزات ملت ما گویای شرکت وسیع و فعال دانش آموزان در مبارزه علیه رژیم خودکامه شاه است . چنانچه در سال ۱۳۳۹ که معلمین بخاطر کمی حقوق اعتصاب کرده بودند دانش آموزان نیز از شرکت در کلاس خود داری کرده و برای حمایت از حقوق معلمان خود بخوابان ها ریخته و بنفشه آنان شعار دادند و برای اولین بار با اعتصاب و تظاهرات گسترده خود به پشتیبانی از معلمینشان ، نشان دادند که بعنوان نیروی عظیم و مؤثر آگاه اجتماع مدافع حقوق از دست رفته خلقها و اقشار زحمتکش ایران در مقابل غارتگریهای امیر یالسم و ایدای وابسته اش میباشند ، چنانکه همین پشتیبانی و اعتصاب دانش آموزان بعنوان بخشی از نیروهای اعتصابی دولت وقت را وادار به پذیرفتن خواسته های معلمین کرد .

۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ دانش آموزان بر مزار دکتر خاندعلی

نارالفنون، مروی و ادیب مصرانه دست به اعتصاب زد و خیابانها را سد نمودند، و از ادامه کار ماشینهای ارتشی جلوگیری کرده و بدین وسیله مسئولیت اجتماعی خود را در قبال این قشر زحمتکش به ثبوت رسانیدند.

مبارزه دانش‌آموزان همچنان ادامه یافت

در سال ۱۳۴۸ که تختی، قهرمان محبوب و ملی ایران، بوسیله سازمان امنیت شاه ناجوانمردانه به قتل رسید دانش‌آموزان دبیرستانهای تهران در مراسم شب هفت و چهلم تختی دسته جمعی شرکت کرده و صدای اعتراض خود را بر علیه پیدادگرهای شاه، این مزدور دست‌نشانده امپریالیسم به گوش جهانیان رسانیدند.

و باز مبارزه دانش‌آموزان ادامه یافت

در جریان گران شدن بلیط اتوبوسهای شرکت واحد دانش‌آموزان مدارس تهران به‌همراه دانشجویان مبارز دانشگاهها وارد عمل شدند و از فعالیت روزانه اتوبوسهای شرکت واحد در سراسر پایتخت جلوگیری کرده و شجاعانه از منافع خود و مردم فقیر شهر دفاع کردند و مشت محکمی بدهان مزدوران شاه کوبیدند، بطوریکه دولت وقت را مجبور به عقب نشینی و ارزان کردن بلیط نمودند.

با آغاز جنبش نوین انقلابی خلق دانش‌آموزان نیز به این جنبش پیوسته و هر چند بسیاری از آنان توسط رژیم منفور پهلوی دستگیر شده و مورد شکنجه قرار گرفتند با مقاومت‌های دلیرانه خود دشمن را تحقیر کردند و مانند سایر اقشار در مبارزات وسیع خود ای علیه نظام مستکبر موجود شرکت کرده، با اعتصابات و اعتراضات و تظاهرات وسیع خود دشمن را قدم بقدم به عقب راندند.

رژیم سر سپرده که از نیروی عظیم این قشر وسیع و جوان مسی هراسید در سرکوب آنان از هیچ وسیله ای فروگذار نکرد و پسا یورشهای مسلحانه به مدارس و حمله به تظاهرات دانش‌آموزی خیابانها را از خون جوانان ما گلگون کرد.

اوج وحشیگری های رژیم در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ بود که با حمله ناجوانمردانه خود به اجتماع دانشجویان و دانش‌آموزان در دانشگاه تهران بدست ارتش ضد خلق و تعلیم دید. مستشاران آمریکائی بیش از ۶۰ تن از بهترین فرزندان خلق ما را به خاک و خون کشید.

فردای آنروز دانش‌آموزان در تظاهرات وسیعی که برپا ساخته روز سیزده آبان را بخاطر گرامی داشت یاد یاران شهید خود روز دانش‌آموز نام نهادند.

بدون شک این روز نقطه عطفی در تاریخ مبارزات آگاهانه، و بی گیر دانش‌آموزان ما علیه نظام پوسیده و خونخوار حاکم بود که او را مجبور بروی کار آوردن دولت نظامی نمود. دولت نظامی در ابتدای امر گمان میکرد با سانسور و سرکوب و اختناق میتواند پایه های پوسیده نظام حاکم را همچنان حفظ کرده و به غارتگری و جباول خود ادامه دهد.

اما تبلور مبارزات دانش‌آموزان، دانشجویان و دیگر اقشار ملت ایران در راهپیمائی های تاسوعا و عاشورا تجلی کرده و سرانجام نه تنها موجب سقوط دولت نظامی که باعث فرار شاه پیدادگر از ایران و بازگشت آیت الله خمینی رهبر انقلاب ایران شد و بالاخره در قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ما طومار نظام شاهنشاهی را در نوردد.

سرنگونی نظام منجر به عقب نشینی تاکتیکی امپریالیسم گردید لیکن همانگونه که همه شما آگاهید این عقب نشینی بمعنی

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

۳۷

شکست کامل امیر یالینم در ایران نیست و ما امروزه شاهد حمله گری های این اختاپوس خون آشام هستیم که با سلاح تفرقه راه بازگشت خود را هموار میسازد و این بار نیز همچون گذشته بر شما جوانان مبارز و آگاه است که با تشکل روز افزون و روشنگریهای خود در راه تداوم انقلاب راستین ملت ایران - کوشیده و لحظه ای از مبارزه با امیر یالینم و بقایای داخلی آن و مسدود کردن راه بازگشت آن که همانا ارتجاع دخیلیست غفلت نکنید، بر شما باد که با تشکیل شوراهای دانش آموزی منتخب از نمایندگان واقعی خود تشکل روز افزون و اتحاد اصولی خود را به ثبوت رسانیده و با برگزاری جلسات بحث، گفتگو و ایجاد فضای آزاد و عاری از تعصب و انحصار طلبی به مطالعات و شناخت خود در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی نظیر شناخت و بررسی امیر یالینم جهانی شناخت و بررسی انقلابات ضد امیر یالیستی، شناسائی راههای بازگشت امیر یالینم و طرق مبارزه با آن بیفزائید.

گرای باد خاطره شهدای به خون خفته ۱۳ آبان ۱۳۵۷
هر چه مستحکمتر باد پیوند دانش آموزان و معلمان سراسر کشور

نظر باینکه نان، چیز خوبی است
و نظر باینکه سقف خانه ما چکه میکند
ما تصمیم گرفته ایم که در سیاست دخالت کنیم
نظر باینکه صاحبخانه می خواهد ما را از خانه اش بیرون بیندازد
و نظر باینکه اول زمستان است و بخاری کلاسمان وضعیت مثل همیشه بی ریخت است
ما می خواهیم در سیاست دخالت کنیم
نظر باینکه فرمول:
"منافع سرمایه داران مساوی است با شکم گرسنه ما"
حرف ندارد،
بله، تصمیم گرفته ایم در سیاست دخالت کنیم
نظر باینکه ما قبلاً "عقلمان می رسید که در سیاست - دخالت کنیم و شاه را فراری دهیم،
بنا بر این، عقل ما هنوز سر جایش هست
نظر باینکه دیگر نمی خواهیم کلاه سرمان باشد
و می خواهیم به کلاه امان کمر نسیم بوزد،
نظر باینکه وقتی آگاه شویم، دوست و دشمن خود را می شناسیم
و نظر باینکه آگاهی، با مطالعه و بحث و گفتگو بدست می آید
بنا بر این، امید داریم که دوستان ما جلومان را نخواهند گرفت.

درود به تمام شهدای به خون خفته خلق

پیامهای کانون

خاطره شهدای ۱۶ آذر گرامی باد

=====

دانشگاه از بدو تا سیش جریان تازه ای را در حیات سیاسی و مبارزاتی ملت ایران ایجاد نمود بنام جنبش دانشجویی اگر چه تا سیش دانشگاه تهران و چند دانشکده و مدرسه عالی دیگر بدست رژیم رضاخان عیناً بخاطر انطباق سیاست، کلی امپریالیسم در این منطقه و عرضه فرهنگ استعماری غرب بنام دانتز فرهنگ جدید بوده ولی نیروی مبارز، آگاه و پرتوانی را هم به جبهه رزمندگان خلقهای تحت ستم ما بنام دانشجویان که از درون همین خلقها بر خاسته بود افزود، دانشگاه نه فقط جایگاه علم و دانتز که مرکز تجمع و تشکل دانشجویان و سنگر مبارزه آنان در خط مقدم جبهه مبارزه ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی خلقهای ایران نیز بود.

دانشجویان در دوران اولیه تشکل خود بلحاظ تعداد کم و حاکمیت شدید دیکتاتوری رضاخان نتوانستند حرکت وسیع و تهاجمی خود را آغاز نمایند ولی همزمان با سقوط رضاخان و نابودی اختناق و دیکتاتوری او و ورود ارتشهای متفقین مبارز خود را بعنوان آگاه ترین عناصر جامعه و همگام با آوج گیری مبارزات توده ها رشد و اعتلا بخشیدند و از این تاریخ به بعد بود که پیوند همیشگی خود را با توده های زحمتکش استوار نمود و حتی برای لحظه ای هم از همگامی با آنها در مبارزات ضد امپریالیستی نه فقط عقب نشستند بلکه در مقاطع و لحظات حساسی هم که توده ها دست از مبارزه می کشیدند آنها همچنان بمبارزه خود علیه امپریالیسم و دیکتاتوری و ظلم و فشاری که بر

توده های زحمتکش ما اعمال میکردند ادامه میدادند و با اعتراضات و اعتصابات همیشگی خود در ارشاد و بیداری و آگاه سازی توده های مردم نقش پیشگامی و پیشقدمی و وظیفه سنگین خود را ایفا می نمودند.

۱۶ آذر ۱۳۳۲ یکی از همان مقاطع و لحظات حساس است، که دانشجویان دانشگاه تهران با حماسه آفرینی خود قتل، نویسی در تاریخ مبارزات خود در جهت اعتراض به رژیم کودتا و عملکرد ضد خلقی آن گشودند و با نثار خون خود نشان دادند که اگر رژیم کودتا با سرکوب و حشایانه خود در ۲۸ مرداد ۳۲، و کشتار دد منشانه توده ها و نیروهای مبارز خلقهای ایران توانست با اعمال حاکمیت دیکتاتوری و برقراری فشار و اختناق جلو هر گونه اعتراض و جنبشی را بگیرد و ظاهراً هم موفق شد چه از آن پس شاهد افت مبارزه توده ای مردم بوده ایم ولی صدای اعتراض آنان را نمی تواند خاموش کند زیرا دانشجویان از این مقطع به بعد ویژگی خاصی به جنبش خود دادند و با استفاده از هر وسیله ای چه صنفی، چه سیاسی بمبارزه قهر آمیز توده ها را تداوم بخشیدند.

شانزدهم آذر ۳۲ روزی بود که دانشجویان بخاطر مسافرت نیکسون معاون رئیس جمهوری وقت آمریکا بایران علیرغم فشار پلیسی - نظامی شدید رژیم، مخالفت و اعتراض توده ها را بر ضد امپریالیسم و وابستگی داخلی اثر پنهانیان نشان دادند و ماهیت ضد خلقی کودتا و دربار را عیان ساختند رژیم نشان دادند که مسلح که مصمم بود هر گونه حرکت خلقی را در منطقه

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری	۳۹
خفه کند، در چنین روزی با حمله تیپ ۲ زرهی به دانشگاه و سرکوب وحشیانه دانشجویان باعث شهادت سه تن از دانشجویان مبارز بنامهای شریعت رضوی، قند جی، و بزرگ نیاشد و رژیم می پنداشت با این سرکوب و کشتار دانشجویان را برای همیشه سر جای خود نشاند، است ولی دانشجویان دست از مبارزه برنداشتند و در ۱۸ آذر نیز اعتصابات و تظاهرات پر شکوهی برقرار کردند و صدای آزادی خواهی و حق طلبی خلق را از دانشگاه به گوش همه رسانیدند. از این تاریخ به بعد در فضای اختناق و فشار و سانسور چشم امید ملت ایران به دانشجویان و دانشگاه تنها سنگر آزادی و آزادی خواهی دوخته شد و الحق دانشجویان نیز تمام توان و نیروی خود را در مواضع و شرایط مختلف با توسل به انواع مبارزه صنفی، سیاسی و قهر آمیز به تقویت و توسعه این امید، بکار گرفتند و به مبارزه خود ادامه دادند، مبارزه ای بیگرو، مؤثر و کهنایتا به قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷ انجامید و نقش سازنده و چشمگیر در پیروزی این انقلاب داشت و بعد از انقلاب نیز به حیات خود ادامه داد و با حرکت آگاهانه دانشجویان تسخیر کننده سفارت آمریکا انقلاب را از مسیر منحرف و دردناکی که در پیش داشت نجات داد و بجهت خواست توده های انقلابی یعنی حرکت ضد امپریالیستی خلقهای ایران باز گردانید.	امیر یالیسم و استیغای حقوق فرد نبرد توده های محروم آرزوی گسست. کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری ۱۳۵۸ / ۹ / ۱۶ پیام کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری بمناسبت تصرف سفارت آمریکا تصرف سفارت آمریکا این مرکز جاسوسی سازمان سیا توسط دانشجویان پیرو خط امام بعدی تازه به مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان بخشید، کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری نیز همانطور که همیشه همگام با سایر توده های زحمتکش و خلقهای تحت ستم ایران در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری شرکت کرده است این بار نیز همگام با مردم، میهنمان در این مبارزات شرکت کرده و تا محو کامل همه گونه نفوذ اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم به مبارزه ادامه خواهند داد.
کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری ضمن درود فراوان به تمام دانشجویان انقلابی و شهدای ۱۶ آذر ماه ۳۲ و دیگر دانشجویانی که با نثار خون پاک خود نهال انقلاب خلقهای تحت ستم ایران را آبیاری کردند، سالگرد شانزده آذر ماه را گرامی میدارد و تداوم مبارزه همه دانشجویان آگاه و مسئول را تا رهایی کامل خلقهای ستم کش از سلطه	در نیم قرن گذشته ملت قهرمان ما بارها با قیامهای شکوهمند خود بر علیه استعمارگران و همچنین عوامل داخلی شان به مبارزه بی امان دست زده و از شکست و پیروزیها تجاری بسارز شدند کسب کرده است و امروز با شناختی دقیق و عینی، آگاه از حیل و نیرنگها و ماسک عوثر کردن امپریالیسم به مبارزه تا قطع ریشه های این هیولای جهانخوار در تمام سطوح ادامه میدهد رژیم خود گامه و منفور پهلوی برای تحکیم بیشتر سلطه و پایه های لرزان حکومت فردی خود حاضر به هر گونه خیانتی به ملت ما گردید، او با شعارهای توغالی ((پیشرو سوسیال دمدن بسوزد))

یا (امپرسیست بسوی صنعتی شدن میرویم) کشور ما را به یک زائد امپریالیسم تبدیل کرد. و از قبل سرسپردگی و نوکر صفتی خود را به سرمایه داران جهانخوار بویژه حامی بزرگش آمریکا با ثبات رسانده بود.

امپریالیسم آمریکا این غارتگری که برای بدست آوردن منافع، خود از هیچ جنایتی فروگذار نمیکند، در پی تعقیب اهداف خود برای بازار فروش جهت کالاهای مصرفی و سرمایه گذاری در صنایع و معادن و بانکها و بدست آوردن نیروی کار ارزان و ایجاد صنایع مونتاژ و بطور کلی برای به بند کشیدن مردم زحمتکش ما برنامه ای حساب شده تنظیم کرد، آمریکا برای غارت و چپاول منابع طبیعی نیاز به انسانهایی دارد که به هیچ چیز فکر نکنند و فقط مصرف کنند و برای دستیابی به چنین هدفی نیاز به یک تخریب فرهنگی در تمام سطوح کشور ما داشت، آمریکا نه تنها از لحاظ اقتصادی فرهنگی بلکه از لحاظ سیاسی، نظامی نیز با طرحهای تنظیمی که بوسیله مستشاران و کارشناسان نظامی در میهن ما بعمل می آید، سلطه سیاسی خود را در تمام ارگانهای کشوری و لشکری تحمیل میکرد. رژیم شاه از آنجا که تاب و توان شنیدن هیچ انتقادی، رانداشت با فشار و اختناق و سانسوری که بر مطبوعات و سایر رسانه های گروهی به وسیله دستگاه مخوف ساواک ایجاد کرده بود، امنیت لازم را برای غارت و چپاول هر چه بیشتر منابع طبیعی کشورمان توسط آمریکا فراهم میکرد و با قراردادهای، ننگین نظامی علاوه بر میلیارد ها تومان مخارج تسلیحاتی که

برگردد این ملت زحمتکش تحمیل میکرد، ارتشی وابسته تحت تعلیم مستشاران نظامی آمریکا برای سرکوب مبارزین و ملت تحت ستم و در حقیقت شعبه ای از ضد اطلاعات سیا در مذاکره ایجاد کرده بود، ملت قهرمان و مبارز ما در قیام بهمن ماه سال گذشته طومار ننگین و پر خیانت حکومت مطلقه پهلوی و مستشاران نظامی آمریکا را در هم پیچید، انقلاب راستین، خلقهای ایران که در نتیجه تلاشهای امپریالیسم ضد انقلاب توسط گروهی انحصار طلب داشت از مسیر درست خود خارج میشد و بیم آن می رفت که ثمره خون هزاران شهید پایمال شود. با این جریان ضد امپریالیستی که از درون توده های مردم برخاسته است، انقلاب می رود تا در مسیر اصلی خود قرار گیرد.

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری ضمن تأیید و پشتیبانی بی دریغ از این جریان انقلابی خواهان لغو کلیه قراردادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با آمریکا است.

مرکز بر امپریالیسم جهانی بر سرکردگی آمریکا

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

۵۸ / ۸ / ۱۹

رهایی از بند امپریالیسم جز با قطع نفوذ اقتصادی آن
امکانپذیر نیست

● اخباری از

کانونهای مستقل معلمان شهرستانها

تشکیل و تأسیس کانونهای مستقل صنفی سیاسی معلمان (فرهنگیان) در سراسر میهن عزیزمان دلیل بارزی بر اعتقاد راسخ معلمان این قشر متعهد و پیشرو به لزوم مبارزه علیه امپریالیسم و گویای نبرد قاطع و بی امان آنان در محو اثرات و پیامدهای شوم و استعماری آن است که در تار و پود زندگی خلقهای زحمتکش ما ریشه دوانیده و همچون خوره بنیاد نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان را میخورد و شکل گیری این کانونها نتیجه تلاش پیگیر و مداوم همکاران ما برای حفظ و حراست دست آورد های انقلاب و کوششی است در راه ایجاد محیطی مناسب و دموکراتیک برای شکوفائی استعداد ها و پرورش و ارشاد افکار و اندیشه های جوانان و نوجوانان کشورمان در روند تحمل و تکامل انقلاب توده های مردمان و چنین بود که بعد از قیام شکوهمند بهمن ماه کانونهای مستقل صنفی، سیاسی معلمان یکی پس از دیگری در اکثر شهرستانهای ایران شکل گرفته و فعالیتهای خود را در جهت گسترش و تداوم انقلاب شروع کردند و مایلند نتیجه این تلاشها و کوششهای خستگی ناپذیر را در نشریات آنان که حاوی چکیده افکار و اندیشه های نوین و مترقی دیگر همکاران مان است میخوانیم:

۱- نشریه "معلم" حاصل کار مداوم و سعی وافر کانون مستقل معلمان تهران و نمایانگر تجارب، رهنمودها و اندیشه های ارزشمندی است که از قلم همکاران عزیز تهرانی جاری شده است و تاکنون ۶ شماره آنرا دریافت کرده ایم، مطالعه

این نشریه را به تمام همکاران متعهد و معلمان مسئول، توصیه می کنیم در این نشریه مطالب ارزنده زیر را میخوانیم "معلم" شماره ۱: در مورد ضرورت تشکیل کانون مستقل معلمان تهران و سایر شهرستانها

"معلم" شماره ۲: سرمقاله، گزارشی از یک مدرسه، انقلاب و نقش معلم در پیشبرد آن، خواستگاه هنر، تحول آموزش در روند تکامل تاریخ، صد و کند و کاو، مشکل کتابهای درسی فرهنگ خلق، فرهنگ انقلاب، سخنی با دانش آموزان پیامها کانون

"معلم" شماره ۳: سرمقاله، نقش مدارس ملی در آموزش و پرورش بررسی قانون اساسی، ماکارنکو داستان پداگوژیکی، ستم ملی و مسئله خود مختاری، یا معلمان شهید گرامی باد، مقاله ای از یک دانش آموز، اخباری از کانونهای مستقل شهرستانها، پیام ها

"معلم" شماره ۴ و ۵: سرمقاله، نگذارید ۲۸ مرداد تکرار شود صد بهرنگی معلی همواره در کار آموختن، چرا ۱۷ شهریور بوجود آمد؟، امپریالیسم چیست، گزارشی از سمینار بررسی ماهیت و نقش مدارس ملی، موقعیت زن در جامعه طبقاتی، تحصن در بانک فرهنگیان در باره ملی کردن بانکها، ماکارنکو و داستان پداگوژیکی، اخباری از کانونهای مستقل معلمان، شهرستانها

"معلم" شماره ۶: سرمقاله، شروع سال تحصیلی و کتابهای درسی

۴۲	صدای معلم ۱
نشریه معلم "نتیجه زحمات و فعالیتهای پیگیر همکاران - محترم فرهنگی در کانون مستقل فرهنگیان اصفهان است که تا کنون یک شماره از آن بدستمان رسیده و حاوی مطالب ارزنده زیر است . چرا کانون مستقل فرهنگیان اصفهان بوجود آمد ؟ ما ، فرهنگیان باید ماه تزکیه رمضان را با تصفیه عناصر ساواک هم زمان کنیم . نگاهی به امپریالیسم در ایران زمینه آشنائی با فلسفه ، تحول نهاد آموزشی در جامعه ، نقش زن در جنبش رهایی بخش ، داستان کوتاه ،	انقلابی ، کانون صنفی یا صنفی سیاسی ، سخنی بدانش آموزان ، فرهنگ امپریالیستی و نقش عملکرد آن در ایران ، کردستان ، ارائه انقلاب ، پیامها ، چگونه رابطه ای میان معلم و دانش آموز باید باشد ، نگاهی به آموزش و پرورش ، درروستای قلعه نو ، مقاله ای از یک دانش آموز ، اخبار نشریه "بویا" نتیجه تلاشها و تحارب همکاران فرهنگی و دانش آموزان آنان است در کانون مستقل فرهنگیان و دانش آموزان فراهان تا کنون دو شماره از این نشریه بدستمان رسیده که حاوی مطالب ارزنده زیر است : (بویا) نشریه شماره ۱ و ۲ ، انقلاب را تداوم بخشید ، نقش امپریالیسم در رابطه با کشورهای وابسته ، خود سازی ، حقوق بشر از نوع آمریکائی ، ریشه زن ، آزادی شخصی و حدود آن ، انقلاب اجتماعی چیست ؟ نشریه " ۲۹ بهمن " حاصل تلاشهای همکاران عزیز تبریزی است که ضمن اعلام موجودیت خود ، شرحی از چگونگی تشکیل کانون مستقل معلمان تبریز بدست داده و اصل آزادی و پاسداری از دست آوردهای انقلاب را علت وجودی خود ، میدانند ، اصلی که در انقلاب ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ مردم قهرمان تبریز پس از پیش متحلی و بارور گشت . نشریه "پیام معلم" ارگان کانون مستقل فرهنگیان آبادان است که در شماره ۱ آن این مطالب را میخوانیم ، دشمن کیست و در خدمت چیست ؟ گفتاری پیرامون شورای معلمان ، - ماکارنکو آموزگار بزرگباز نایستیم .
پیش بوی اتحاد کانونهای مستقل معلمان در سراسر کشور	



پژوهشگاه
جنبش معلمان